

دکتر رضادشت آرا (ترجمه و اقتباس)

وکیل پایه یک دادگستری

معاهده رم و اتحادیه اروپا

• معاهده ۱۹۵۷ رم

در مقام مقایسه با سایر سازمان‌های منطقه‌ای، جامعه اروپای که به اختصار «جامعه»^۱ نامیده می‌شود، از نظر اهداف، جامع‌ترین، از نظر سازمان تأسیساتی، توسعه یافته‌ترین، و از نظر نیل به اهداف، موفق‌ترین سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای جهان بوده است. جامعه نه تنها در جهت ایجاد بازار مشترک اروپایی^۲، بلکه همچنین کوشیده تا نسبت به اتخاذ تصمیمات اساسی، خارج از اقتصادهای گوناگون، سازمان‌های سیاسی و سنت‌های فرهنگی ملت‌های عضو، چهارچوب مشترک و مناسبی را ارائه دهد.

در حقیقت، هدف‌ها و موفقیت‌های جامعه به نحوی پی‌ریزی و محقق شده که این سازمان بین‌المللی، نقطه توقف را پشت سر نهاده است. در این زمان به نظر می‌رسد در بررسی ماهیت این جامعه باید پدیده‌ای را که به یک دولت فدرال نزدیک‌تر و شبیه‌تر است، مورد بررسی قرار داد. کوشش‌های مداوم برای اتخاذ یک اصطلاح مناسب توصیف‌کننده برای جامعه، مانند «ما فوق ملی» یا «فدرال» و امثال آن، تازگی اهداف و تشکیلات جامعه و اشکال توصیف آنها را در دایره لغات سنتی برای سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد.

معاهده رم^۳ که بازار مشترک اروپا یا جامعه اقتصادی اروپا^۴ را در سال ۱۹۵۷ به وجود

1 - European Community (the Community)

2 - European Common Market

3 - Treaty of Rome

آورد، به وسیله دولت‌های جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، ایتالیا، لوکزامبورگ، بلژیک و هلند که اعضای مؤسس بودند، امضا و تصویب گردید. این معاهده از اول ژانویه ۱۹۵۸ به اجرا درآمد. شش سال بعد معاهده محدودتر دیگری میان همین شش دولت، جامعه اروپایی ذغال سنگ و فولاد^۵ را به وجود آورد و در همین زمان، سومین معاهده، جامعه اروپایی انرژی اتمی^۶ را تأسیس کرد.

جنبه‌های مهمی از معاهده رم، به وسیله اسنادی چند، تکمیل و اصلاح گردید. قبل از سال ۱۹۶۷، فقط دو مؤسسه جامعه اروپا، یعنی دیوان عدالت و مجلس^۷، خدمات خود را علاوه بر جامعه اقتصادی اروپا، به دو جامعه دیگر اروپا نیز ارائه می‌کردند. در اول ژوئیه ۱۹۶۷، معاهده تأسیس شورای منفرد جوامع اروپا^۸ که معاهده وحدت^۹ خوانده می‌شود، شورا و کمیسیون اروپا را به عنوان مؤسسات مشترک جوامع اروپایی ذغال سنگ و فولاد، و انرژی اتمی اعلام داشت.

سند دوم مربوط است به گسترش عمده عضویت جامعه. دانمارک، ایرلند و بریتانیا، در اول ژانویه ۱۹۷۳، از طریق چند سند، به جامعه اروپا راه پیدا کردند. مقررات انضمام به جامعه، در حکم مربوط به شرایط انضمام و تعدیل معاهدات^{۱۰} که به «حکم انضمام»^{۱۱} موسوم است، منتشر می‌شود. انضمام یونان به جامعه در سال ۱۹۸۱، حکم انضمام مشابهی انجام گردید.

در سال ۱۹۸۶، کشورهای اسپانیا و پرتغال نیز - به ترتیب مذکور - به ده کشور عضو ملحق شدند. ترکیه که برای سال‌های متمادی، عضو وابسته جامعه^{۱۲} به شمار می‌رفت، در سال ۱۹۸۷ رسماً درخواست عضویت کامل در جامعه را مطرح کرد، ولی بعید به نظر

4 - European Economic Community

5 - European Coal & Steel Community

6 - European Atomic Energy Community

7 - Court of Justice & Assembly

8 - Treaty Establishing a Single Council & a Single Commussein of the European Communities.

9 - Merget Treaty

10 - Act Concerning the Condition of Accession and the Adjustment of the Treaties.

11 - Act of Associate

12 - community Associate

می‌رسد که قبل از رفع اختلافات این کشور با یونان بر سر قبرس بتواند، با توجه به ضرورت اتفاق آرا برای پذیرش اعضای جدید، به عضویت کامل جامعه درآید. به هر حال، در اجلاس اکتبر ۲۰۰۲ شورای وزیران کشورهای عضو در بروکسل مقرر گردید که تا سال ۲۰۰۵ تقاضای عضویت ترکیه در جامعه قابل رسیدگی نخواهد بود.

جامعه اروپا، با تشکیلات مربوط به خود، مانند پارلمان، شورای اجرایی، کمیسیون اداری و قوه قضائیه، در حقیقت باید یک نظام حقوقی فوق ملی به شمار آید. به منظور ایجاد و استقرار چنین نظامی، ملت‌های اروپا بخش قابل توجهی از حاکمیت ملی خود را به جامعه تفویض کرده‌اند. حقوق جامعه اروپا در بسیاری از رشته‌ها، جانشین حقوق داخلی کشورهای عضو گردیده و سیستم حقوقی جامعه مانند چتری بر سر نظام‌های حقوقی دولت‌های عضو سایه افکنده است.

جمعیت جامعه مجموعاً از ۳۰۰ میلیون نفر تجاوز می‌کند (با جمعیت ۲۴۰ میلیون ایالات متحده آمریکا مقایسه شود) و درآمد ناخالص ملی آن، متجاوز از سه تریلیون دلار است. نظام حقوقی منطقه‌ای دیگری یافت نمی‌شود که بتواند در تفصیل قانونگزاری و موفقیتی که دولت‌های عضو در یکپارچگی نسبت به آن نائل گردیده‌اند، با جامعه اروپا رقابت کند. امروزه هر کس بخواهد با ملت‌های بازار مشترک اروپا به داد و ستد بپردازد، ضرورتاً با حقوق جامعه اروپا که بسیار گسترده و پیچیده است برخورد خواهد داشت. اکنون در بسیاری از دانشکده‌های حقوق دنیا، واحدهای درسی متعددی به مطالعه جنبه‌های حقوقی امور جامعه اروپا اختصاص یافته است.

معاهده رم در نظر داشته به طریق زیر به هماهنگی توسعه فعالیت‌های اقتصادی، نائل گردد:

تعقیب پیشرفت اقتصادی و بازرگانی،

تعرفه گمرکات و سیاست بازرگانی مشترک نسبت به کشورهای ثالث و حذف

تعرفه‌ها و سهمیه‌ها در داخل جامعه،

الغای موانع نسبت به آزادی مهاجرت اشخاص و نقل و انتقال خدمات و سرمایه از

کشوری به کشور دیگر،

برقراری سیاست‌های مشترک کشاورزی، ماهیگیری و حمل و نقل،

توسعه و تشویق سیستم رقابت غیرتخریبی، هماهنگ و نزدیک ساختن قوانین دولت‌های عضو تا آن جا که برای عملکرد صحیح بازار مشترک ایجاب می‌کند.

مشهور شده که نویسندگان معاهده رم در مغزهای مردم اروپا، امید درازمدت نیل به یکپارچگی اقتصادی و سیاسی - اگر نتوانیم بگوییم یک اتحاد - را پرورش داده‌اند. اما با تصویب پیمان ماستریخت در فوریه ۱۹۹۲، اتحادیه اروپا هم متولد گردید. معاهده رم، رشته‌های معین سیاست اقتصادی جامعه را که دربرگیرنده مقرراتی در باب مسائل زیر است، توصیف می‌کند:

رقابت، مالیات، قراردادهای دولتی، امتیازات دولتی، آزادی جابه‌جایی اشخاص، کالا و تکنولوژی، حمل و نقل، اتحاد گمرکی، کشاورزی، روش‌های دامینگ، سوبسیدهای دولتی، توسعه منطقه‌ای، سیاست پولی، روابط بازرگانی و بانک سرمایه‌گذاری اروپا^۱.

دولت‌های پیرامون اروپای غربی، (فنلاند، سوئد، نروژ، ایسلند، سوئیس و اتریش) کانون داد و ستد آزاد اروپا^۲ را که به «افتا»^۳ شهرت داشت، تشکیل داده بودند «افتا» داد و ستد آزاد را نسبت به کالاهای کشاورزی مجاز نمی‌دانست و نسبت به خدمات، سرمایه، کار، تکنولوژی، مالیات، معاهدات بازرگانی و بسیاری مسائل دیگر که تحت حکومت کانون جامعه اروپا درآمده بود، مداخله نمی‌کرد. علاوه بر این، «افتا» یک سیستم حقوقی فوق ملی را ابداع نکرده بود و دادگاه منطقه‌ای، کمیسیون و پارلمان نداشت.

«افتا» که بسیار ساده، به وسیله یک شورای بین‌الدول^۴ و کمیته‌های مختلف اداره می‌شد، در اصل به وسیله بریتانیا و به منظور مقابله با جامعه اقتصادی اروپا ایجاد گردیده بود، اما وقتی که بریتانیا، ایرلند و دانمارک در سال ۱۹۷۳ موضع خود را تغییر دادند، کشورهای عضو «افتا» به وسیله معاهدات داد و ستد آزاد، با جامعه اروپا روابط نزدیکی

1 - European Investment Bank.

2 - European Free Trade Association

3 - Efta

4 - Intergovernmental Council

برقرار کردند. هدف از برقراری این روابط، میان «افتا» و جامعه اروپا، ایجاد یک منطقه آزاد داد و ستد صنعتی برای تقریباً تمام اروپای غربی بود. علت عدم الحاق کشورهای فنلاند، سوئد، نروژ، سوئیس و اتریش به جامعه اروپا، بی طرفی این کشورها در میان سیاست‌های شرق و غرب بوده که اکنون با پایان جنگ سرد و از بین رفتن اتحاد جماهیر شوروی، مانع از سر راه کشورهای مزبور برداشته شده و از میان آنها تاکنون کشورهای فنلاند، سوئد و اتریش به عضویت جامعه آزاد اروپا درآمده‌اند. در آینده نزدیک هم باید منتظر پیوستن نروژ و سوئیس و برخی از کشورهای اروپای شرقی به جامعه اروپا باشیم.

● شورای وزیران جامعه اروپا

شورای وزیران^۱ از نمایندگان دولت‌های حاکم کشورهای عضو تشکیل می‌گردد. وزیران وزارتخانه‌های دولت‌های عضو، مانند وزیران امور خارجه و اقتصاد به طور عادی در این شورا با هم ملاقات می‌کنند. وقتی که وزیران مزبور به طور جمعی شورا را تشکیل می‌دهند، اقدامات و مصوباتشان به منزله اقدامات و مصوبات جامعه اروپا تلقی می‌شود. وظیفه اصلی شورا، ایجاد هماهنگی در سیاست‌های اقتصادی دولت‌های عضو در اجرای هدف‌های معاهده رم است. شورا از اختیارات تصویب قوانین، امور مالی و موافقت‌های بین‌المللی برخوردار است.

اغلب مقررات معاهده رم دقیقاً بیان می‌کنند که در چه مواردی اختیارات قانونگزاری به شورا تفویض گردیده است. با وجود این، مطابق ماده ۱۸۹ (ب) اصلاحی در معاهده اتحادیه اروپا^۲ مصوب ۷ فوریه ۱۹۹۲ در شهر ماستریخت هلند، یک اختیار کلی اعطا گردیده که به موجب آن، شورا می‌تواند در باب پیشنهاد‌های کمیسیون، پس از مشاوره با پارلمان اروپا، اقدام کرده؛ با تأیید پارلمان، تصمیم مقتضی اتخاذ کند.

اختیار تفویض شده به وسیله ماده ۱۸۹ (ب) اصلاحی ممکن است منحصرأ در موقعی مورد استفاده قرار گیرد که اختیارات لازم برای انجام یکی از هدف‌های جامعه،

1 - Council of Ministers

2 - Treaty in European

در معاهده پیش‌بینی نشده است. برای مثال، مقررات و دستورات محیط زیست جامعه، به طور سنتی محصول حقوق معین نشده در معاهده‌اند که به وسیله شورا وضع گردیده و به اجرا گذارده شده‌اند.

طبق معاهده رم، شورا مکلف است در بعضی موارد با اکثریت غیرمطلق و در موارد دیگر به اتفاق آرا عمل کند. مقررات مزبور اساس توافق سیاسی را میان دولت‌های عضو برقرار می‌کند. صرف‌نظر از معاهده رم، نسبت به هر مسأله مشکل، شورا معمولاً می‌کوشد تا به اتفاق آرا عمل کند.

در سال ۱۹۶۶، شورا توافق لوکزامبورگ^۱ را تأیید کرد که به موجب آن، به هر دولت عضو، اختیار و توی مصوبات شورا، واگذار گردید. اما در سال‌های اخیر، علی‌رغم اعتراضات ملی، شورا به ندرت از قاعده اتفاق آرا در مسائل کشاورزی عدول کرده است. قانون اروپای واحد^۲ که از ژوئیه ۱۹۸۷ به اجرا درآمد، معاهده رم را اصلاح کرد و اکثریت آرا را در بعضی موارد - که از آن میان، مورد تأسیس بازار آزاد داخلی مهم‌تر است - مجاز ساخت. مطابق معاهده اتحادیه اروپایی، شورا تصمیمات خود را در بعضی موارد به اتفاق آرا و در بسیاری از موارد دیگر با اکثریت غیرمطلق اتخاذ می‌کند.

کمیته دائمی نمایندگان^۳ که به وسیله معاهده وحدت^۴ ۱۹۶۵ تأسیس گردید از مؤسسات فرعی جامعه اروپایی است که از مأموران کشوری دولت‌های عضو، معمولاً در سطح سفرا، تشکیل می‌گردد. وظیفه عمده کمیته مزبور، تهیه برنامه کار شورا و برقراری ارتباط نزدیک با کمیسیون و مأموران کشوری در دولت‌های عضو است. در عمل، کمیته دائمی وظیفه دارد تصمیمات غیرمتنازع^۵ فیه راتپیه و برای تأیید رسمی به شورا ارائه کند.

● کمیسیون و قوه قانونگزاری جامعه اروپایی

یکی از مؤسسات جامعه، کمیسیون است که در بروکسل پایتخت بلژیک مستقر

1 - Luxembourg Accord

2 - Single European

3 - Committee of Permanent Representative (COREPER)

4 - The 1965 Merger Treaty

است. از سال ۱۹۸۵ تاکنون، صدها تصمیم و قانون کمیسیون در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، بازار مشترک را به طرف یک اتحادیه منسجم سوق داده است. کمیسیون در مقابل دولت‌های عضو، از استقلال کامل برخوردار است و هفده کمیسیونر به ترتیب زیر دارد:

از هر یک از کشورهای فرانسه، اسپانیا، آلمان، ایتالیا و بریتانیا دو نفر و از هر یک از سایر دولت‌های عضو یک نفر که با تصویب پارلمان اروپا، انتخاب می‌گردند. کمیسیون و کمیسیونرها، نمایندگان دولت‌های عضو را نداشته، از دولت‌های مزبور دستور نمی‌گیرند. بدین ترتیب، می‌توان گفت که کمیسیون با صفت مشخصه فوق ملی خود، منحصرأً عهده‌دار انجام وظیفه در جهت نیل به کمال مطلوب منافع جامعه است. هر یک از کمیسیونرها دارای یک قسمت معین است که سیاست‌های جامعه را اداره می‌کند، مانند قسمت کشاورزی، روابط خارجی، رقابت^۱ و غیره. هر قسمت دارای کارکنان زیاد با حقوق‌های بالا است. کارکنان مزبور با در دست داشتن کارت اروپایی^۲ از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند می‌شوند. هر یک از دولت‌های عضو با علائق خاص خود نسبت به بعضی از سیاست‌های جامعه، معمولاً با توافق مشترک در شورا، موفق می‌شود کمیسیونر خود را به ریاست قسمتی بگمارد که نسبت به آن منافع بیشتری احساس می‌کند. از این‌رو، کمیسیونر فرانسوی معمولاً ریاست قسمت کشاورزی را عهده‌دار می‌شود و کمیسیونر انگلیسی به ریاست روابط خارجی منصوب می‌گردد و نسبت به سایر قسمت‌ها نیز به همین ترتیب عمل می‌شود. کمیسیونرها پنج سال خدمت می‌کنند و امکان تجدید دوره انتخاب آنها نیز ممکن است.

یکی از وظایف کمیسیون این است که بر اجرای مقررات معاهده رم که قانون اساسی جامعه محسوب می‌شود، مراقبت و نظارت کند. در انجام این وظیفه، کمیسیون در اتخاذ تصمیم نسبت به اجرای قانون و تنظیم پیشنهادها، قانونی (مقررات، دستورالعمل‌ها) برای شورا، از اختیارات کافی برخوردار است. علاوه بر این، در موقعیت‌هایی که مستلزم از بین رفتن منافع عمومی است به کمیسیون اختیار داده شده که بدون اجازه صریح شورا

1 - Directorate (Section): Agriculture, External Relations , Competition

2 - Eurocart

اقدام کند.

معاهده رم به کمیسیون اجازه داده که از طرق دیوان عدالت، رعایت و اجرای مقررات معاهده را از اشخاص، سایر مؤسسات جامعه و دولت‌های عضو بخواهد. در این مقام، کمیسیون، دادستان فعال حقوق جامعه اروپایی به شمار می‌رود.

کمیسیون، روابط جامعه را با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان‌های ملل متحد^۱ و تجارت جهانی^۲ تنظیم و نگهداری می‌کند. با دستورات شورا، کمیسیون به عنوان نماینده جامعه نسبت به مذاکره و انعقاد معاهدات بازرگانی اقدام می‌کند.

کمیسیون در مقام یگانه مؤسسه‌ای که لوایح قانونی را تهیه و پیشنهاد می‌کند، وظیفه‌ای بسیار مهم به عهده دارد. لوایح قانونی مورد پیشنهاد کمیسیون برای تصویب به شورا تسلیم می‌گردد. شورا می‌تواند پیشنهادهای کمیسیون را فقط به اتفاق آرا اصلاح کند. شورا مجبور است قبل از تصویب هر قانون برای جامعه، نظر پارلمان اروپا را اخذ کند. این مشاوره اجباری با پارلمان، به منزله محوری است که براساس آن، تغییرات سازنده‌ای در ساختمان جامعه حاصل می‌شود.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد پارلمان اروپایی به تدریج به یک هیأت قانونگزاری تبدیل خواهد شد. برای مثال، کمیسیون در سال ۱۹۸۰ پیشنهاد کرد که مؤسسات چند ملیتی ملزم گردند نسبت به تصمیمات مربوط به محیط کار با کارگران مشورت کنند و بعضی از اطلاعات ایمنی کار را در دسترس آنان قرار دهند. پیشنهاد مزبور موجب بروز اختلاف گردید و وسیله‌ای برای پارلمان اروپایی شد تا نقش اصولی کمیسیون را در مقام طراح لوایح قانونی به مبارزه گیرد.

لازم بود که پیشنهاد مورد نظر، علی‌رغم اصلاحات مکرر در کمیسیون بعد از مشاوره با پارلمان، به وسیله شورا تصویب شود. این نبرد قدرت اصولی و مجادله سیاسی سال‌ها ادامه داشت. قدرت انحصاری کمیسیون در تهیه طرح‌های قانونی، این نهاد را در نقطه مرکزی فعالیت‌های نفوذکننده جامعه قرار می‌داد که در آن، شورا هم اغلب مشارکت داشت. اکنون برابر تغییراتی که به موجب معاهده ۱۹۹۲ اتحادیه اروپایی انجام گرفته،

1 - United Nations

2 - World Trade Organization

قدرت نهایی در تصویب قوانین جامعه، به پارلمان اروپایی تفویض گردیده و این بدان معنا است که مردم اروپا مستقیماً به وسیله نمایندگان خود در پارلمان اروپایی، حرف آخر را خواهند زد.

● پارلمان اروپایی (مجلس)

مجلس^۱ که معمولاً پارلمان اروپایی^۲ خوانده می‌شود، یکی از نهادهای جامعه است که در معرض تغییر و تحول قرار دارد. بعد از سال‌ها سرگردانی از شهری به شهری در اروپا، سرانجام پارلمان اروپا در شهر استراسبورگ فرانسه مستقر گردید. قبلاً پارلمان اروپا بیشتر یک نقش مشورتی را در جامعه ایفا می‌کرد، ولی امروزه نقش تصویبی دارد. از سال ۱۹۷۹، اعضای پارلمان مستقیماً به وسیله شهروندان دولت‌های عضو انتخاب شده‌اند، در حالی که قبل از ۱۹۷۹، انتخاب اعضا از طریق نامزدی آنها از طرف هیأت‌های مقننه دولت‌های عضو انجام می‌گرفت. بدین ترتیب، اعضای پارلمان به جای اینکه از گروه‌های وابسته به دولت‌های عضو باشند از گروه‌های سیاسی مردمی تشکیل می‌گردند.

از ماه می ۱۹۸۶، اعضای پارلمان به این نحو تقسیم شده‌اند: ۱۷۲ نفر سوسیالیست^۳، ۱۱۹ نفر دموکرات مسیحی از حزب مردم اروپا^۴، ۶۳ نفر دموکرات اروپایی^۵، ۴۶ نفر کمونیست و متحدان^۶، ۴۱ نفر از گروه لیبرال و رفرمیست دموکرات^۷، ۳۴ نفر از گروه نوسازی اروپا و اتحاد دموکراتیک^۸، ۲۰ نفر از گروه رینبو^۹، ۱۶ نفر از گروه‌های دست

1 - Assembly

2 - European Parliament

3 - Socialists

4 - Christian Democrats in the European People's Party

5 - European Democrats

6 - Communists and Allies

7 - Liberal and Democratic Reformist Group

8 - Group of European Renewal and Democratic Alliance.

9 - Rainbow Group

راستی اروپا^۱، و ۷ نفر مستقل که وابسته به گروهی نیستند.

پارلمان اختیار دارد سؤالاتی را در برابر کمیسیون و شورا نسبت به امور جامعه مطرح سازد و همچنین می‌تواند کمیسیون را استیضاح کند که در این صورت کلیه کمیسیونرها باید به طور دسته جمعی استعفا دهند. البته پارلمان تاکنون از اختیارات خود در این باره استفاده نکرده است. با وجود این، پارلمان اختیاری در مورد انتخاب کمیسیونرهای جدید که انتخابشان در صلاحیت شورا است، ندارد. در سال ۱۹۸۲ در باب اختلاف پارلمان و کمیسیون، پیشنهاد شد که پارلمان کمیسیون را استیضاح کند ولی این تهدید به اجرا درنیامد. در صورت نقض مقررات معاهده رم به وسیله یکی دیگر از نهادهای جامعه، پارلمان می‌تواند علیه آن نهاد در دیوان عدالت اقامه دعوا کند. در سال ۱۹۸۳، پارلمان، به خاطر قصور نسبت به برقراری سیاست مشترک حمل و نقل جامعه، شورا را در محضر دیوان عدالت، به عنوان نقض قانون، تحت تعقیب قرار داد.^۲

پارلمان دارای اختیاری است که مورد مشاوره قرار گیرد و به عنوان بخشی از فرایند قانونگذاری جامعه، نظر مشورتی خود را اعلام دارد. نظر مشورتی پارلمان برای کمیسیون و شورا الزام آور و لازم‌الاتباع نیست، لکن اگر این نظر رعایت نشود، ممکن است به طور فزاینده، ناهنجاری را در مورد نهادهای مزبور به اثبات رساند. برای مثال، در سال ۱۹۸۰ دیوان عدالت نظر داد که اگر شورا بدون اینکه منتظر اظهار نظر پارلمان بماند، لوایح قانونی را تصویب کند به صورت غیرقانونی عمل کرده است.

گفتنی است این پرسش که پارلمان تا چه مدت می‌تواند اظهار نظر خود را به تأخیر بیندازد، بدون پاسخ مانده است.^۳ قانون اروپای واحد، نسبت به توسعه سیاست‌های برگزیده جامعه، حق اظهار عقیده و تشریک مساعی مؤثرتری را به پارلمان اعطا کرده است. سیاست‌های مزبور شامل این موارد است: آزادی نقل و انتقال کارگران، حق فعالیت و تأسیس کار و تجارت در محدوده کشورهای جامعه و آزادی ارائه خدمات در

1 - European Right Groups.

2 - See Duropean Parliament V.Council, 1985 Eur. Comm. Rep., 1513.

3 - See S.A. Roquette Freres V.Council, 1980, Eur. Comm. Rep.,3333.

سراسر بازار مشترک اروپا.^۱

ماده ۲۰۳ معاهده رم به پارلمان اختیار می‌دهد که بودجه جامعه را درباره موضوعاتی که «ضرورتاً از این معاهده یا از قوانینی که طبق آن به تصویب رسیده، ناشی شده» و به وسیله شورا تنظیم و ارائه گردیده اصلاح و یا تغییراتی را نسبت به آن پیشنهاد کند. این ترتیب، نفوذ پارلمان را در اعمال نظر نسبت به «هزینه‌های اجباری» که اساساً به سوبسیدهای کشاورزی مربوط می‌شود، افزایش داده است. از سال ۱۹۷۵ به این طرف، پارلمان نسبت به هزینه‌های غیراجباری که حدود ۲۵ درصد بودجه را تشکیل می‌دهد، نظارت نهایی داشته است.

پارلمان و شورا، نسبت به تصویب بودجه سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ به نزاع پرداختند که این نزاع در هر دو سال با پیروزی پارلمان خاتمه یافت. اختیارات پارلمان نسبت به امور مالی مرتباً رو به افزایش است و رئیس آن در گزارش خود متذکر گردیده است: «مادام که پارلمان در سایر رشته‌ها قدرت بیشتری نداشته باشد، کشمکش نسبت به بودجه وجود خواهد داشت». این قدرت بیشتر، به موجب بند «ب» ماده ۱۸۹ معاهده اتحادیه اروپا، به پارلمان اعطا گردیده است. برابر این ماده، شورا پس از دریافت طرح کمیسیون و کسب نظر پارلمان، طرح مشترکی را تهیه می‌کند و آن را همراه با کلیه دلایل خود به پارلمان می‌فرستد. کمیسیون نیز پارلمان را کاملاً از موضع خود نسبت به طرح مشترک مطلع می‌سازد. در صورتی که پارلمان، طرح مشترک را ظرف ۳ ماه تصویب کند. شورا قانون مطرح شده را مطابق با طرح مشترک به طور قطع قبول می‌کند. اما اگر پارلمان در ظرف مدت مقرر از اتخاذ تصمیم خودداری کند، شورا قانون مطرح شده را طبق طرح مشترک می‌پذیرد. چنانچه پارلمان با اکثریت مطلق اعلام کند که قصد رد طرح مشترک را دارد، فوراً شورا را از این امر مطلع می‌سازد. شورا ممکن است کمیته سازش آماندرج در پاراگراف ۴ ماده ۱۸۹ (ب) را تشکیل دهد و نسبت به موضع خود توضیح بیشتری بدهد. سپس پارلمان ممکن است رد طرح مشترک را با اکثریت مطلق آرا تأیید کند که در این

1 - See P.J.G.Kapteyn and P.Verloren Themaat, Introduction to the Law of European Communities After the Coming into Force of the Single European Act.

2 - Conciliation Committee.

صورت، قانون پیشنهادی مردود اعلام می‌گردد. همچنین ممکن است پارلمان اصلاحاتی را پیشنهاد کند که در این صورت، اصلاح شده طرح مشترک به شورا و کمیسیون باز می‌گردد. در صورتی که شورا قانون مطرح شده را با اصلاحات مورد نظر پارلمان به تصویب نرساند، موضوع به منظور رفع اختلاف به کمیته سازش ارجاع می‌گردد. هرگاه کمیته سازش طرح مشترک را تأیید کند و سپس شورا و پارلمان به صورت قانون تصویب کنند، قانون مزبور به صورت‌هایی تصویب شده محسوب می‌گردد و اگر یکی از دو مرجع، (شورا یا پارلمان) با آن مخالفت کند طرح مشترک، مردود تلقی خواهد شد.

• دیوان عدالت اروپایی^۱

حکمت تأسیس دیوان عدالت اروپایی این بوده که در تفسیر و اعمال مقررات معاهده رم، رعایت و اجرای قانون، تضمین و تأمین گردد. به تعبیر دادگاه، واگذاری رسالت مزبور، شامل اجرای حقوق بین‌الملل و حقوق عرفی، همانند حقوق جامعه نیز می‌گردد. برای مثال، دادگاه اظهار نظر کرده که اجرای مقررات موافقتنامه گات (سازمان تجارت جهانی) نسبت به جامعه الزام‌آور است.

لازم به تذکر است که کلیه دولت‌های عضو جامعه، از امضاکنندگان موافقتنامه گات هم هستند. دیوان عدالت همچنین حقوق جدیدی را در محدوده جامعه اروپا ایجاد کرده است، مانند رویه‌هایی که نسبت به حقوق بنیادی بشر، به وسیله تجزیه و تحلیل «اصول عمومی حقوق مشترک نسبت به دولت‌های عضو» به وجود آورده است.^۲ این توسعه حقوق با اعلامیه مشترک ۱۹۷۷، نسبت به حقوق بنیادی شورا، کمیسیون و پارلمان^۳ نیز مطابقت دارد. اعلامیه مزبور، جامعه را نسبت به حراست از دموکراسی اروپا، نقش قانون، عدالت اجتماعی و رعایت و اجرای حقوق بشر متعهد ساخته است.

شانزده قاضی عالی‌رتبه (از هر دولت عضو یک نفر، به اضافه یک قاضی به طور

1 - European Court of Justice

2 - See Verli-Wallace V. Commission, 1983 Eur. Comm. Rep., 2711.

3 - The 1977 joint Declaration on Fundamental Rights of the Council, Commission and Parliament.

نوبتی) دیوان عدالت اروپایی را در لوکزامبورگ تشکیل می دهند. قضات مزبور به مدت شش سال به منظور تصدی قضاوت از طرف شورا انتخاب می شوند و معمولاً انتخابشان تجدید می گردد. بیشتر قضات و وکلایی که در دیوان حضور پیدا می کنند - که البته وکلا باید از اعضای کانون های داخلی باشند - در مکتب حقوق مدون^۱ تعلیم دیده اند نه حقوق عرفی^۲. این ترتیب مبین این است که دیوان معمولاً در شیوه اظهار نظر از آیین دادرسی متداول در کشورهای حقوق مدون پیروی می کند.

برای مثال، دیوان می تواند شهود را احضار کند یا کارشناسانی را انتخاب کند و یا دستور دهد که اسناد و مدارک ارائه شوند. با وجود این، پس از ورود بریتانیا به جامعه، از سال ۱۹۷۴ به این طرف، به نسبت محدوده استفاده از حق استنطاق گواه^۳ که در دادرسی های حقوق انگلوساکسون رواج دارد مجاز گردیده است. به این ترتیب، دیوان در دادرسی های پژوهشی، به هر دو مسأله، یعنی انطباق حکم پژوهش خواسته با قانون و ماهیت قضیه رسیدگی می کند.

دیوان دارای چندین دادیار (وکیل عمومی)^۴ است. این مقام در نظام قضائی بریتانیا وجود ندارد. دادیاران مزبور، وکلای عمومی جامعه هستند که قضایا را در محضر دیوان مورد بررسی و ارزیابی قرار داده، نظرهای خود را به عنوان عقاید جامعه ارائه می دهند. دیوان اظهارات وکیل مدافع را به صورت کتبی و شفاهی، به زبانی که نسبت به موضوع معین گردیده، دریافت و سپس عقیده دادیار را که ممکن است قبول یا رد کند، استماع می کند. وکلای مدافعی که سال ها با حقوق جامعه کار کرده اند، اغلب به نظریات دادیاران استناد می کنند، زیرا نظریات مزبور در مقایسه با آنچه معمولاً در احکام دیوان عدالت اروپایی درج می گردد، از نظر استدلال قانونی و بحث ماهوی جامع تر است. نظریات دادیاران، به ویژه در طراحی روندها و توسعه های جدیدی که نسبت به حقوق جامعه معمول می گردد می تواند مفید واقع گردد، زیرا آنها اغلب پیش بینی ها و فرضیاتی را

1 - Civil Law.

2 - Common Law.

3 - Cross - Examination Right

4 - Advocate - General

مطرح می‌سازند که به ماورای حقایق قضایا گسترش می‌یابند.

خلاصه احکام دیوان عدالت، بدون ذکر نظریات اعضای مخالف، به شیوه متداول در سیستم حقوق مدون نوشته می‌شود. بنابراین تعلق عقاید مختلف در میان اعضای دیوان، از نظر اشخاص خارج پوشیده می‌ماند. دیوان عدالت نشان داده که ترجیح می‌دهد از رویه‌های قضائی خود پیروی کند و آنها را مورد استناد قرار دهد، اما عنداللزوم نسبت به نقض رویه‌های مزبور تأمل نکرده است. این طریقه در قلمرو قضائی بریتانیا، جایی که نسبت به طبع الزام‌آور رویه‌های قضائی، شدت عمل حکومت می‌کند، موجب شگفتی گردیده است.

دیوان عدالت، در مقابل نهادهای دیگر جامعه و دولت‌های عضو، از استقلال کامل برخوردار است. این دیوان دارای صلاحیت‌های مختلف است، مانند صلاحیت رسیدگی به مسائل حقوق مدنی، اداری و اساسی و از نظر جغرافیا نسبت به کلیه مسائل مربوط به جامعه در سراسر کشورهای عضو صلاحیت و اختیار دارد. ضمناً دیوان نسبت به تفسیر قوانین جامعه، قویاً از حق اظهار نظر انحصاری برخوردار است. دادگاه‌های داخلی کشورهای عضو مجبورند قوانین جامعه را به نحوی که مورد تفسیر دیوان عدالت اروپایی قرار می‌گیرد، رعایت کرده، به اجرا بگذارند، در حالی که دیوان عدالت اروپایی با درکی که خود از قوانین جامعه دارد، به منزله مفسر و داور نهایی عمل می‌کند.

شاید مفیدترین وسیله تأمین نتیجه فوق‌الذکر، اختیار دیوان در صدور قراردادهای اولیه، نسبت به مشکلات ناشی از اجرای قوانین جامعه است که توسط دادگاه‌های کشورهای عضو مستقیماً به این دیوان ارجاع می‌گردند. در دولت‌های عضو، دادگاه‌های پایین‌تر ممکن است به صلاحدید خود، مسائل ناشی از اجرای قوانین جامعه را به دیوان عدالت ارجاع بدهند، در حالی که دادگاه‌های عالی در ارجاع مشکلات مزبور تکلیف قانونی دارند (ماده ۱۷۷ معاهده). با وجود این، بعضی اوقات دادگاه‌های عالی، با توسل به دکترین قانون صریح^۱ در حقوق اداری فرانسه، از ارجاع مسائل قانونی جامعه به دیوان عدالت اروپایی اجتناب می‌کنند. این دکترین اکنون به عنوان قسمتی از حقوق جامعه

توسط دیوان پذیرفته شده است.

دادگاه‌های داخلی کشورهای عضو و نهادهای اجرایی، برای اجرای احکام دیوان عدالت اروپایی، نسبت به وصول جریمه‌ها و اجرای مجازات‌هایی که تحت قانون رقابت جامعه، علیه مؤسسات اقتصادی و شرکت‌ها صادر می‌گردد، مسؤول هستند. هرگاه یک دولت عضو، رعایت و اجرای قانون جامعه را رد کند، اغلب شخص ذی‌نفع از طریق کمیسیون از دیوان تقاضا می‌کند که آن دولت را به رعایت و اجرای قانون محکوم سازد (ماده ۱۶۹ معاهده). احکام دیوان دارای اعتبار و احترام است، اما وسائل اجرا علیه دولت‌های عضو وجود ندارد. در سال ۱۹۸۳، پارلمان اروپایی، دولت‌های عضو را قرا خواند که معاهده جامعه را اصلاح کرده، به دیوان اروپایی اختیار بدهند نسبت به دولت‌هایی که اجرای قانون جامعه را رد می‌کنند مادام که حکم دیوان را قبول و اجرا نکرده‌اند، به دستور دیوان نتوانند از مزایای پولی اختصاص یافته استفاده کنند. لازم است خاطر نشان شود عدم رعایت قانون جامعه از طرف دولت‌های عضو، مشکلی است که به ندرت ممکن است پیش آید، گرچه دولت‌ها به این شهرت یافته‌اند که قبل از قبول و اجرای قانون جامعه، منتهای استفاده را از حقوق پژوهش‌خواهی خود معمول می‌دارند.

• اجرای مستقیم قوانین جامعه اروپا

معاهداتی که جوامع اروپا را بنیاد نهاده است، در میان دولت‌های مستقل متعاهد، دارای اهمیت و اعتباری بیش از معاهدات بین‌المللی است. معاهدات جوامع اروپا، حقوق حاکمیت را، نسبت به اختیارات قانونگزاری، اداری و قضائی از دولت‌های عضو به نهادهای جامعه منتقل ساخته است. برای مثال، باید متذکر گردید که معاهده رم، به جامعه این اختیار را داده است که معاهدات و موافقتنامه‌های بین‌المللی خود را، رأساً منعقد سازد. در بخش‌هایی که دولت‌های عضو، صلاحیت و حاکمیت خود را به جامعه منتقل کرده‌اند، موافقتنامه‌های بین‌المللی، منحصرأً به وسیله جامعه منعقد می‌گردد. نظر به این که معاهده رم، دارای حوزه عمل گسترده‌ای است، همه ساله صلاحیت و اختیارات بیشتری به جامعه منتقل می‌گردد. و این در حقیقت انتقال عمده‌ای است نسبت به حق حاکمیت کشورهای عضو که به جامعه اروپا واگذار می‌شود.

قوانین جامعه می‌تواند مستقیماً، بدون دخالت قوای مقننه دولت‌های عضو، نسبت به حقوق و تکالیف شهروندان کشورهای عضو جامعه تأثیر بگذارد. تأثیر مزبور فقط از طریق اعمال مستقیم قوانین جامعه به واقعیت می‌پیوندد. دادگاه‌های داخلی مجبورند مستقیماً قوانین جامعه را اعمال کنند و شهروندان ممکن است به چنین قوانینی در دادگاه‌های مزبور استناد نمایند. مطابق ماده ۱۸۹ معاهده، مقررات جامعه، همواره مستقیماً قابل اجرا می‌باشد. فی‌المثل، دستورالعمل‌هایی که به وسیله شورا و کمیسیون صادر می‌گردد، نسبت به دولت عضوی که مورد خطاب قرار گرفته، به نحوی که نتیجه مورد نظر حاصل گردد، الزام‌آور می‌باشد و انتخاب طریقه اجرا به دولت مربوطه واگذار گردیده است (ماده ۱۸۹ معاهده).

دیوان عدالت اروپا، نهایتاً تصمیم گرفت که بسیاری از مقررات معاهده، تعهدات ناشی از عهدنامه‌های بین‌المللی و دستورالعمل‌های شورا و کمیسیون که جمعاً حقوق جامعه اروپا را تشکیل می‌دهد، مستقیماً قابل اجرا باشد. برای مثال، دادگاه تصمیم گرفته است که ماده ۱۱۹ معاهده رم، نسبت به حقوق مساوی در مقابل کار مساوی، قانون مستقیم و قابل اعمال جامعه تلقی گردد.

این تصمیم، به اشخاص در سراسر جامعه اجازه می‌دهد، پرداخت تبعیض آمیز و ناعادلانه را در مشاغل بخش‌های عمومی و خصوصی مورد اعتراض قرار دهند. از این قرار، یک خدمتکار پروازهای خطوط هوایی می‌تواند براساس قانون جامعه، در مقابل دادگاه روابط کارگر و کارفرمای بلژیک، نسبت به تبعیض غیرقانونی دادخواهی کند.^۱ ماده ۱۱۹ به ویژه مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو «اجرای اصل تساوی حقوق مردان و زنان را در مقابل کار مساوی حفظ و تأمین کنند». مقررات مزبور روند برابری حقوق زن و مرد و توصیه‌های خاص کنوانسیون ۲۴ ژوئن ۱۹۵۱ سازمان بین‌المللی کار^۲ را در دستورالعمل‌های صادره در جهت اجرای ماده ۱۱۹، نسبت به برقراری امکانات دستیابی به طبقه‌بندی مشاغل کارکنان، به منظور ارزشیابی قابل مقایسه یک شغل با شغل دیگر را مقرر می‌دارد. کمیسیون در این مورد با تعقیب بریتانیا در مقابل دیوان

1 - Defrenne V.Sabena, 1976 Eur. Comm. Rep.455.

2 - International Labour Organization

عدالت اروپا، یک دستورالعمل را با موفقیت به مرحله اجرا گذاشت. قانون ۱۹۷۵ تبعیض جنسی بریتانیا^۱ با استانداردهای جامعه مطابقت نداشت، زیرا برابر این قانون کارفرمایان می‌توانستند ارائه سیستم‌های طبقه‌بندی مشاغل را منع کنند.^۲

ناتوانی قانون دانمارک نسبت به شمول کارگرانی که به عضویت اتحادیه‌های کارگری در نیامده بودند نیز دستورالعمل‌های جامعه را نسبت به حقوق مساوی در مقابل کار مساوی نقض می‌کرد.^۳ معهدا، اجرای دستورالعمل‌های مزبور، تحت قانون آلمان و به ویژه مطابق با قانون اساسی این کشور، کاملاً استانداردهای جامعه نسبت به اصل حقوق مساوی در مقابل کار مساوی را تأمین می‌نمود.^۴ قانون هلند در حالی که بازنشستگی اجباری زنان را در سن ۶۰ سالگی و مردان را در سن ۶۵ سالگی مقرر می‌داشت، دستورالعمل جامعه را نسبت به منع تبعیض میان مرد و زن، نقض می‌کرد.^۵

دیوان عدالت اروپا مصرراً اظهار نظر کرده است: وقتی که مقررات معاهده رم، به طور وضوح تعریف شده و این مقررات، حقوق و تعهدات معینی را نسبت به اشخاص، دولت‌های عضو و نهادهای جامعه برقرار نموده، چنین مقرراتی مستقیماً قانون قابل اجرای جامعه را تشکیل می‌دهد. اظهار نظر گردیده است که مقررات مختلف معاهده جامعه، مرتبط با تعرفه‌های گمرکی، سهمیه بازرگانی، امتیازات دولتی، رقابت و عدم تبعیض بر اساس ملیت و یا سایر عوامل، مستقیماً قابل اجراست. معیارهای مشابهی نیز بر قابلیت اعمال اجرای مستقیم تعهدات، دستورات و عهدنامه‌های بین‌المللی جامعه حکومت می‌کند. فی‌المثل، دادگاه اظهار نظر کرده که ماده ۱۱ موافقتنامه گات که به طور گسترده‌ای سهمیه‌بندی‌ها را در بازرگانی بین‌المللی منع می‌کند، نسبت به جامعه الزام‌آور است، اما نه به عنوان قانون قابل اعمال مستقیم جامعه. بنابراین عقیده دادگاه، مقررات گات تدوین نشده است که حقوق و تعهداتی را نسبت به اشخاص وضع نماید، بلکه هدف موافقتنامه گات، ایجاد حقوق و تعهدات نسبت به دولت‌ها است. بنابراین، واردکننده

1 - British Sex Discrimination Act of 1975

2 - Commission V. United Kingdom, 1989 Eur. Comm. Rep. 2601.

3 - Commission V. Denmark, 45 Common Mkt. L. Rep. 44 (1986) .

4 - Commission V. Germany, 46 Common Mkt. L. Rep. 588 (1986).

5 - Beets-Proper V. F. Lanschot Bankiers NY, 2 Common Mkt. L. Rep 616 (1987).

هلندی نمی تواند، براساس موافقتنامه گات، مقررات جامعه را در وضع سهمیه نسبت به ورود سیب از خارج بازار مشترک، مورد اعتراض قرار دهد.^۱

فلامینیوکوستا/در مقابل / آنت ناسیونال انرژی الکتریک امپرس زیادلادیسون ولتا (ای.ان.ای.ال).^۲

بعد از تصویب معاهده رم و تأیید آن از طرف مقامات قانونگزاری و اجرایی ایتالیا، قانون شماره ۱۲۰۳ مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۵۷، معاهده مزبور را مطابق رویه قانون اساسی ایتالیا که آثار داخلی معاهدات را فقط به وسیله قانون پارلمان ایجاد می کند، به قانون داخلی ایتالیا پیوند داد. دو اصل از اصول قانون اساسی ایتالیا، به ویژه نسبت به دادرسی مشروحه زیر، به موضوع مرتبط می گردد. اصل دهم می گوید: «سیستم قضائی ایتالیا با اصول کلاً شناخته شده حقوق بین الملل مطابقت دارد.» اصل یازدهم اظهار می دارد که ایتالیا: «به شرط تساوی با سایر دولت ها، با محدودیت حاکمیتش در مقابل سازمانی که صلح و عدالت را در میان ملل تأمین نماید و به این منظور تشکیل سازمان های بین المللی را تشویق و ترغیب کند، موافقت دارد.»^۳

تحت قانون شماره ۱۶۴۳ مورخ ۶ دسامبر ۱۹۶۲ و آیین نامه های اجرایی آن، دولت ایتالیا تولید و توزیع انرژی برق را ملی نمود و سازمانی به نام ای.ان.ای.ال. که اموال مؤسسات برق ملی شده به آن انتقال یافته بود، ایجاد کرد. استاد فلامینیوکوستا، یکی از سهامداران شرکت خدماتی که ملی شده بود، از پرداخت صورتحساب مصرف برق که از طرف ای.ان.ای.ال. به مبلغ ۱۹۲۵ لیر (تقریباً ۳ دلار)، برای او فرستاده شده بود خودداری کرد. آقای کوستا، هنگام دادخواهی در مقابل قاضی صلحیه میلان،^۴ یک دادگاه ابتدایی با صلاحیت ذاتی که از حکمش به علت ناچیز بودن مبلغ صورتحساب

1 - International Fruit Co. NV V.Produktschap Voor Groenten En Fruit, 1971 Eur. Comm. Rep. 1107.

2 - Flaminio Costa v.EntrNazional Energia Dlettrica impreso Gia Della Edison Volta (E.N.E.L.),1086, Court of Justice of the European Communities, Case No.6/64,July 15,1964.,(1964) E.C.R.585.

3 - 2Peaslee, Constitutions of Nations 483(2d ed.1965).

4 - Giudice Conciliatore of Milan.

نمی‌توان پژوهش خواست، استدلال نمود که قانون ملی سازی ایتالیا مواد ۳۷، ۵۳، ۹۳ و ۱۰۲ رم را نقض کرده و نتیجتاً مواد مزبور را بی اعتبار ساخته است. آقای کوستا درخواست کرد که قاضی صلحیه اولاً سؤال مطابقت با قانون اساسی را به دادگاه قانون اساسی ایتالیا که تحت قانون ایتالیا نسبت به حل مشکلات قانون اساسی صلاحیت دارد، ارجاع کند، ثالثاً با استناد به ماده ۱۷۷ معاهده رم، «تصمیم مقدماتی»^۱ دیوان عدالت اروپا و تفسیری از چهار ماده مذکور را تحصیل نماید. آقای کوستا بر مقررات معاهده رم و اصل یازدهم قانون اساسی ایتالیا اتکا کرد.

به لحاظ طبیعت مسائل مطروحه، قاضی صلحیه سؤال مطابقت با قانون اساسی را، به دادگاه قانون اساسی ایتالیا ارجاع کرد. در حالی که سؤال در مقابل دادگاه قانون اساسی مطرح بود و قبل از این که دادگاه عقیده‌ای ابراز دارد، قاضی صلحیه همچنین به استناد ماده ۱۷۷ معاهده رم، سؤال این که آیا قانون ملی سازی، معاهده را نقض کرده یا خیر، را در مقابل دیوان عدالت اروپا قرار داد. در تصمیمی که چند ماه قبل از «رأی مقدماتی» دیوان عدالت اروپا صادر گردید، دادگاه قانون اساسی ایتالیا اظهار عقیده نمود که علی‌رغم ماده ۱۱ قانون اساسی و هر تناقض ممکنه‌ای بین قانون ملی سازی و معاهده، دادگاه ایتالیایی مکلف است قانون را اجرا نماید.

به نظر دادگاه، هر گونه نقض معاهده که احیاناً پیش آید، صرفاً به مسؤلیت دولت ایتالیا در سطح بین‌المللی مرتبط است. دادگاه قانون اساسی استدلال کرد که قانون شماره ۱۲۰۳ سال ۱۹۵۷ که معاهده رم را به قانون ایتالیا پیوند داده است، صرفاً یک قانون عادی می‌باشد که می‌تواند به وسیله یک قانون مؤخر ایتالیا تغییر یابد، از این قرار، غیر ضروری است که بررسی گردد آیا قانون و معاهده در مطابقت بوده‌اند یا خیر.

در رسیدگی‌هایی که نزد دیوان عدالت اروپا انجام می‌شد، دولت ایتالیا مدعی گردید که قاضی صلحیه در تسلیم سؤال اشتباه نموده است. قاضی صلحیه موقعی که، تحت قانون داخلی، متعهد است که اعمال اصول قانون ایتالیا را نسبت به معاهده ترجیح دهد، نباید به ماده ۱۷۷ استناد کرد.

دیوان عدالت اروپا، بحث‌های استاد کوستا، ای.ان.ای.ال، دولت ایتالیا و کمیسیون اروپا را درباره مسأله قانون اساسی و مواد معاهده خلاصه نموده که قسمت‌های برگزیده رأی دادگاه به شرح زیر است:

نسبت به اعمال ماده ۱۷۷

در موضوع مراجعه نسبت به نحوه سؤال، عنوان شده است که پشت سر سؤال مطروحه از طریق ماده ۱۷۷، منظور این بوده است که رأی نسبت به مطابقت قانون داخلی با معاهده رم، تحصیل گردد.

مطابق شرایط ماده ۱۷۷، دادگاه‌های داخلی که علیه تصمیماتشان، همانند قضیه مورد بحث، جبران قضائی وجود ندارد، باید موضوع را به دیوان عدالت اروپا ارجاع کنند، تا در موقعی که سؤال قابل تفسیری مطرح شده باشد، برای دادگاه مزبور صدور رأی مقدماتی نسبت به تفسیر معاهده ممکن گردد. این ماده نه به دادگاه صلاحیت می‌دهد که مقررات معاهده را نسبت به موردی خاص اعمال نماید و نه این که نسبت به اعتبار یکی از مقررات قانون داخلی در ارتباط با معاهده تصمیم بگیرد، دیوان می‌تواند در این موارد تحت ماده ۱۶۹ اقدام نماید.

با وجود این، دیوان اختیار دارد از سؤالی که به وسیله دادگاه داخلی به طور ناقص تنظیم گردیده، آن سؤالی را که صرفاً به تفسیر معاهده مرتبط می‌شود، استخراج نماید. نتیجتاً تصمیمی که باید به وسیله دیوان گرفته شود، نباید بر مبنای اعتبار قانون ایتالیا در رابطه با معاهده قرار گیرد. بلکه باید صرفاً بر اساس تفسیر مواد فوق‌الذکر، در زمینه نکات قانونی که به وسیله قاضی صلحیه بیان شده، استوار باشد.

در خصوص اجبار دادگاه نسبت به اعمال قانون داخلی،

دولت ایتالیا اظهار می‌دارد که تقاضای قاضی صلحیه «مطلقاً غیر قابل قبول» است، زیرا دادگاه داخلی که مجبور است قانون داخلی را اجرا کند، نمی‌تواند از ماده ۱۷۷ استفاده نماید.

در برابر معاهدات معمولی، معاهده رم سیستم حقوقی خاص خود را ایجاد کرده که با ورود به مرحله اجرا، قسمت لایتنجایی از سیستم‌های حقوقی دولت‌های عضو گردیده، به نحوی که دادگاه‌های دولت‌های مزبور مجبورند آن را به اجرا گذارند.

با ایجاد جامعه‌ای به مدت نامحدود، با دارا بودن مؤسسات و شخصیت و صلاحیت حقوقی منحصر به خود و صلاحیت عهده‌دار شدن نمایندگی جامعه در صحنه بین‌المللی و به ویژه با اختیارات واقعی ناشی از محدودیت حقوق حاکمیت اعضا و با انتقال قدرت‌هایی از دولت‌ها به جامعه، دولت‌های عضو گرچه در داخل حوزه‌های معینی حقوق حاکمیت خود را محفوظ نگاه داشته‌اند، ولی آنان به ایجاد یک مجموعه حقوقی اقدام کرده‌اند که هم خود و هم اتباعشان را متعهد ساخته است.

یکپارچه‌سازی حقوقی هر یک از دول عضو با قوانینی که از جامعه و به طور کلی از شرایط و روح معاهده ناشی شده، دولت‌های عضو را مانع می‌گردد از این که برای اقدام لاحق یکطرفه خود اولویت قائل شده و آن را مافوق سیستم حقوقی جامعه که خود آن را بر پایه معامله متقابل قبول کرده‌اند، قرار دهند. بنابراین، اقدام لاحق یکطرفه هر یک از دول عضو نمی‌تواند با سیستم حقوقی جامعه در تناقض قرار گیرد. قدرت اجرایی قانون جامعه، نسبت به منع قوانین لاحق داخلی، نمی‌تواند از یک دولت به دولت دیگر متغیر باشد بدون اینکه به حصول هدف‌های معاهده مندرج در ماده (۲) ۵ صدمه نزنند و به تبعیضی که در ماده ۷ منع شده، منجر نگردد.

الزاماتی که تحت معاهده تأسیس‌کننده جامعه، به وسیله دولت‌های عضو مورد تعهد قرار گرفته در قالب خود غیرمشروط نمی‌باشد، معهداً در صورتی که این الزامات به وسیله قوانین لاحق کشورهای امضاکننده مورد سؤال قرار گیرد، غیرمعلوم و وابسته خواهند شد. هر کجا که معاهده به دولت‌ها، حق قانونگزاری را به طور یکجانبه اعطا نموده، آن را به وسیله مقررات صریح و دقیق انجام داده است. (برای مثال به مواد ۱۸، ۳۳، ۹۳، ۲۲۳، ۲۲۴ و ۲۲۵ مراجعه شود). درخواست دولت‌های عضو در تحصیل اجازه نسبت به کاستن از اختیارات معاهده، به رسیدگی خاص موقوف گردیده است (به مواد ۴، ۸، ۴، ۱۷، ۲۵، ۲۶، ۷۳، پراگراف فرعی ماده "۲" ۹۳ و ۲۲۶ مراجعه شود). اگر دولت‌های عضو بتوانند تعهدات خود به وسیله قانون عادی از میان بردارند، مواد قانونی مذکور حکمت تشریح خود را از دست خواهد داد.

تفوق حقوق جامعه در ماده ۱۸۹ معاهده تأیید گردیده که به موجب آن قانون جامعه «الزام آور و مستقیماً در کلیه کشورهای عضو قابل اعمال خواهد بود». این قاعده که

موکول به رعایت حقی برای دولت‌های عضو نگردیده، کاملاً بی‌معنی خواهد بود اگر دولتی بتواند به طور یکطرفه آثار آن را به وسیله اقدام قانونی که بر حقوق جامعه فائق آید، باطل گرداند.

از کلیه این ملاحظات نتیجه گرفته می‌شود که حقوقی که از منبع مستقل معاهده رم ناشی می‌گردد، به علت طبیعت اصلی و ویژه خود، نمی‌تواند به وسیله مقررات داخلی ملغی شود بدون اینکه از صف اختصاصی خود به عنوان حقوق جامعه محروم نگردد و اساس قانونی جامعه فی‌نفسه به زیر سؤال نرود.

انتقال حقوق به وسیله دولت‌های عضو، از سیستم قانون داخلی خودشان به سیستم قانونی جامعه که یک محدودیت دائمی را نسبت به حقوق حاکمیت دولت‌های مزبور به همراه دارد، سبب می‌گردد که اقدام یکطرفه لاحق مغایر با نظریه کلی جامعه نتواند علیه حقوق و تعهداتی که از معاهده رم ناشی می‌شود، غلبه کند. نتیجتاً، هر وقت سؤالاتی در ارتباط با تفسیر معاهده پیش آید، بدون توجه به قانون داخلی، ماده ۱۷۷ اعمال می‌گردد.

نسبت به تفسیر ماده ۱۰۲

این ماده در قسمتی از معاهده که به «نزدیک‌سازی قوانین» اختصاص یافته، جایگزین شده و به منظور جلوگیری از اختلافات مشخص بین قوانین ملت‌های مختلف با اهداف معاهده تنظیم گردیده است. دولت‌های عضو آزادی ابتکار خود را، به لحاظ موافقت با تسلیم به یک رسیدگی مشورتی مقتضی، محدود کرده‌اند. با ملزم ساختن صریح خود نسبت به مشاوره قبلی با کمیسیون اروپا، در ارتباط با کلیه موضوعاتی که لایحه قانونی آنها ممکن است به لحاظ امکان پیچیدگی، اگرچه مختصر، زیان‌آور باشد، دولت‌های عضو تعهدی را قبول کرده‌اند که آنها را به عنوان دولت ملزم می‌سازد، اما این الزام، حقوقی را که دادگاه‌های داخلی مکلف به حمایت آن باشند، برای افراد ایجاد نمی‌کند. کمیسیون اروپا به منظور ایفای نقش خود مکلف است احترام رعایت مقررات این ماده را تأمین نماید، ولی این تکلیف، در چهارچوب حقوقی جامعه و به وسیله ماده ۱۷۷، به افراد حق ادعا نمی‌دهد، خواه قصور از طرف دولت مربوطه نسبت به اجرای هر یک از تعهداتش باشد یا از سوی کمیسیون اروپا ترک وظیفه شده باشد.

نسبت به تفسیر ماده ۵۳

مطابق ماده ۵۳، دولت‌های عضو متعهدند که هیچ گونه محدودیتی، نسبت به حق تأسیس کسب و پیشه، در قلمروی خود برای اتباع سایر دولت‌های عضو ایجاد ننمایند، به استثنای مواردی که در معاهده به طریق دیگر مقرر گردیده است. تعهدی را که از این قرار دولت‌های عضو نسبت به آن ملزم گردیده‌اند، قانوناً به وظیفه‌ای منجر می‌گردد که در این خصوص دست به اقدامی نزنند، این ترتیب به هیچ شرایطی موکول نگردیده و به لحاظ اجرا و اثرش، به وضع هیچ گونه مقرراتی، خواه از طرف دولت‌ها یا به وسیله کمیسیون اروپا، محول نشده است.

بنابراین، قانوناً ماده ۵۳ به خودی خود کامل می‌باشد و در نتیجه، قابلیت این را دارد که مستقیماً نسبت به روابط بین دولت‌های عضو و اتباع آنها، آثار قانونی به وجود آورد. چنین منع صریحی که با معاهده رم در سراسر جامعه اروپا به مرحله اجرا درآمده و بدین ترتیب جز لایتجزای سیستم حقوقی دولت‌های عضو گردیده، قسمتی از قانون این دولت‌ها را تشکیل داده و مستقیماً به اتباع آنان مرتبط گردیده است. این ترتیب به نفع اتباع این کشورها، حقوق فردی ایجاد کرده که در دادگاه‌های داخلی باید مورد حمایت قرار گیرد.

پس از این که در ماده ۵۲ مقرر گردید که: «محدودیت‌ها نسبت به آزادی تأسیس کسب و پیشه اتباع یک دولت عضو در قلمرو عضو دیگر، به تدریج در طی دوره انتقالی، موقوف خواهد شد»، ماده ۵۳ مقرر می‌دارد که: «دولت‌های عضو نباید در قلمروی خود هیچ گونه محدودیت جدیدی، نسبت به حق تأسیس کار و پیشه، برای اتباع سایر دولت‌های عضو ایجاد کنند». بنابراین، سؤال این است که بر مبنای چه شرایطی اتباع سایر دولت‌های عضو از حق تأسیس کار و پیشه برخوردار خواهند بود.

پاراگراف دوم ماده ۵۲، این سؤال را مورد بحث قرار می‌دهد. بنابراین، نظر ماده ۵۳ تأمین می‌گردد به شرط این که، تأسیس کار و پیشه اتباع سایر دولت‌های عضو، به اقدام جدیدی نسبت به وضع مقررات سخت‌تر از آنچه که برای اتباع کشور محل تأسیس، با دارا بودن هر سیستم قانونی حاکم بر تعهدات، تجویز گردیده، موکول نشود.

نسبت به تفسیر ماده ۳۷

ماده (۲) ۳۷ شامل یک ممانعت مطلق می‌باشد. نه یک الزام به انجام کاری بلکه یک الزام به جلوگیری از انجام کاری. این ممانعت با هیچ‌گونه حفظ حقی که امکان اعمالش را به اقدام اثباتی قانون داخلی موکول کند، همراه نیست. ممانعت بروز اساساً قادر است آثار مستقیمی نسبت به روابط بین دولت‌های عضو و اتباعشان ایجاد نماید.

چنین ممانعت کاملاً صریحی که با امضای معاهده رم در سراسر جامعه به مرحله اجرا درآمده و به این ترتیب جز لاینجزای سیستم قانونی دولت‌های عضو گردیده، بخشی از حقوق این دولت‌ها را تشکیل می‌دهد و مستقیماً به نفع اتباع کشورهای عضو، حقوق فردی ایجاد می‌نماید که باید در دادگاه‌های داخلی مورد حمایت قرار گیرد. به دلیل پیچیدگی عبارت و حقیقت این که مواد (۱) ۳۷، (۲) ۳۷ دارای ویژگی‌های مشترک می‌باشند، تفسیری که مورد درخواست قرار گرفته، ضروری می‌سازد که آنها را به عنوان فصلی که در آنجا قرار گرفته‌اند، مورد بررسی قرار دهیم. این فصل «حذف کمیته محدودیت‌های بین دولت‌های عضو» را مورد بحث قرار می‌دهد. از این قرار، هدف رجوع ماده (۲) ۳۷ به «اصولی که در پاراگراف (۱) وضع گردیده» این است که از ایجاد هر نوع جدید «تبعیض مرتبط به شرایطی که تحت آن محصولات تهیه و به بازار عرضه می‌گردد، بین اتباع دولت‌های عضو» جلوگیری به عمل آورد. با تعیین هدف در این جهت، ماده (۱) ۳۷ مواردی را ذکر می‌کند که در آن هدف مزبور ممکن است، نتواند از تبعیضات کاملاً جلوگیری کند و در سایر موارد بی‌نتیجه بماند.

بنابراین، با رجوع به ماده (۲) ۳۷، هر امتیاز یا انحصار جدیدی که در ماده (۱) ۳۷ اشاره شده. تا آنجا که به ارائه موارد جدید تبعیض نسبت به شرایط تهیه و عرضه محصولات منجر می‌گردد، ممنوع است. بدین ترتیب، این موضوعی است مربوط به دادگاه که در وهله اول اقدام اصلی را مورد بحث قرار دهد و بررسی کند که آیا به هدف مورد نظر لطمه وارد شده است؟، به عبارت دیگر این که آیا از اقدام مورد بحث، نوعی تبعیض جدید اتباع دولت‌های عضو نسبت به شرایط تهیه و عرضه کالا، حاصل گردیده؟ و یا نتیجه مربوط به آن در آینده بروز خواهد نمود؟

در اینجا باقی می‌ماند وجوهی را که در ماده (۱) ۳۷ در نظر گرفته شده، مورد توجه

قرار دهیم. ماده مزبور به طور کلی ایجاد انحصارات دولتی را ممنوع نمی‌سازد، بلکه صرفاً آنچه را که «دارای خصوصیت بازرگانی» است و آن هم تا حدی که به ارائه موارد تبعیض اشاره شد منجر گردد، ممنوع ساخته است. برای قرار گرفتن تحت این ممنوعیت، امتیازات و انحصارات دولتی مورد سؤال باید، اولاً مربوط به کالای بازرگانی بوده و قابلیت رقابت و داد و ستد را بین دولت‌های عضو داشته باشد، ثانیاً باید نقش مؤثری را در چنین داد و ستدی ایفا کند.

این موضوع به دادگاه مربوط می‌گردد که در حالی که اقدام اصلی را مورد بحث قرار می‌دهد در هر مورد تشخیص دهد که آیا فعالیت اقتصادی مورد نظر، به چنان محصولی مربوط می‌شود که، به لحاظ طبیعت و شرایط فنی و بین‌المللی آن، قادر باشد نقش مؤثری را در صادرات و واردات بین اتباع دولت‌های عضو ایفا کند.

دیوان عدالت

بدین وسیله، در حالی که به دفاع غیرقابل پذیرش متکی بر ماده ۱۷۷ حکم می‌دهد، اعلام می‌دارد:

نظر به این که این یک اقدام لاحق یکطرفه نمی‌تواند بر قانون جامعه تفوق داشته باشد، سؤالانی که به وسیله قاضی صلحیه میلان مطرح گردیده، تا آنجا که در این قضیه به تفسیر مقررات معاهده رم مربوط می‌گردد، قابل پذیرش می‌باشد، دیوان عدالت چنین حکم می‌دهد:

۱. ماده ۱۰۲ دربرگیرنده مقرراتی نیست که قادر باشد حقوق فردی ایجاد نماید که دادگاه‌های داخلی مکلف باشند آن را مورد حمایت قرار دهند،

۲. قسمت‌های فردی ماده ۹۳ که سؤال به آن مربوط می‌گردد، متساویاً دربرگیرنده چنین مقرراتی نمی‌باشد،

۳. ماده ۵۳ یک اصل مسلم جامعه را تشکیل می‌دهد که قادر به ایجاد حقوق فردی است و دادگاه‌های داخلی باید آن را مورد حمایت قرار دهند. اصل مزبور هر اقدام جدید دولتی را که تأسیس کار و پیشه اتباع سایر دولت‌های عضو را به مقررات شدیدتری نسبت به آنچه که برای اتباع کشور محل تأسیس مقرر گردیده موکول کرده باشد، ممنوع ساخته است.

۴. ماده (۲) ۳۷ در کلیه مقررات خود، یک قاعده حقوق جامعه را بیان می‌کند که قادر به ایجاد حقوق فردی است که دادگاه‌ها مکلفند آن را مورد حمایت قرار دهند. تا آنجا که به سؤال مطروحه در دادگاه مربوط می‌گردد، این قاعده حقوقی هر اقدام جدید مغایر با اصول ماده (۱) ۳۷ را ممنوع می‌سازد، یعنی هر اقدامی که هدف یا اثرش تبعیض بین اتباع دولتهای عضو، نسبت به شرایطی که در آن محصول تهیه و عرضه می‌گردد، باشد و به وسیله امتیاز یا انحصار دولتی برقرار شده باشد، مشروط بر این که اولاً موضوع آن مربوط به محصول بازرگانی بوده و قابلیت رقابت و داد و ستد را بین دولتهای عضو داشته باشد، ثانیاً نقش مؤثری را در چنین داد و ستدی ایفا کند.

حقوق جامعه، نه تنها شامل مقررات معاهده رم، بلکه مقررات معاهدات جوامع ذغال و فولاد^۱، انرژی اتمی اروپا^۲ و کلیه قوانین عادی مربوط به معاهدات مزبور را نیز دربرمی‌گیرد. دولتهای عضو، حقوق جامعه را به عنوان حقوق داخلی کشورهای خود پذیرفته‌اند. فی‌المثل، براساس ورود بریتانیا به جامعه، پارلمان این کشور قانون ۱۹۷۲ جوامع اروپا را از تصویب گذراند. بند (۱) از قسمت دوم قانون مزبور مقرر می‌دارد که: «کلیه حقوق، اختیارات، مسؤلیت‌ها و تعهداتی که به وسیله یا تحت معاهدات... ایجاد یا برقرار گردیده، بدون وضع قانون مجدد، در بریتانیا دارای اعتبار قانونی است».

نهادهای جامعه معمولاً به وسیله وضع مقررات و صدور دستورالعمل‌ها به کار قانونگزاری اقدام می‌کنند. معاهده رم به هر دو نهاد، شورا و کمیسیون، یا ندرتاً به کمیسیون با اجازه شورا، قانونگزاری مزبور را در بسیاری از عرصه‌های سیاست جامعه تفویض نموده است. قانون جامعه قدرت اجرایی عمومی داشته و کاملاً الزام‌آور و در کلیه کشورهای عضو مستقیماً قابل اعمال می‌باشد. معمولاً قانون جامعه به خودی خود قابل اجراست و حقوق و تعهداتی برای دولتهای عضو و اتباعشان متساویاً به وجود می‌آورد. غالباً مقررات جامعه به سیاست کشاورزی مشترک میان دولتهای عضو مرتبط می‌گردد، معهداً مقررات مزبور، از نظر حقوق رقابت جامعه، واجد اهمیت است. دستورالعمل کمیسیون، به لحاظ انتخاب زمان اجرا و نتیجه مورد نظر، نسبت به دولت

1 - European Coal and Steel Community (ECSC)

2 - European Atomic Energy Community (EURATOM).

عضوی که مورد خطاب قرار گرفته، نیز الزام آور است، معهدا انتخاب فرم و متد اجرا را به دولت مزبور واگذار می نماید. به این ترتیب، دولت های عضو باید قوانین و مقررات خود را وضع و اصلاح کنند یا آنچه مورد نیاز است انجام دهند، به نحوی که دستورالعمل های جامعه به مورد اجرا در آیند. دستورالعمل ها غالباً به منظور هماهنگ سازی سیاست های داخلی بازار مشترک به کار گرفته می شود، مانند هماهنگ سازی سیستم های مالیاتی، قوانین شرکت ها، گمرکات، نظارت بر سرمایه گذاری، بسیج نیروی کار، شناسایی مشاغل، مسؤولیت تولید (اعمال یک مسؤولیت مطلق)، قوانین حفظ زیست و غیره.

شورا و کمیسیون هر دو اختیار دارند که تصمیمات قانونی را نسبت به اشخاصی که مورد خطاب قرار گرفته اند به مرحله اجرا درآورند. کمیسیون مکلف است اغلب تعقیب های قانونی را نسبت به نقض قوانین جامعه به وسیله دولت های عضو، نهادهای جامعه، افراد و مؤسسات آغاز و پیگیری نماید. تصمیمات و مقررات و دستورالعمل های مزبور در دیوان عدالت اروپا مشمول تجدیدنظر قضائی قرار می گیرند. دیوان ممکن است با استفاده از اختیارات تجدیدنظر قضائی، قانونی را که توسط شورا یا کمیسیون وضع گردیده ابطال نماید. دیوان، در جهت اعمال اختیاراتش نسبت به تجدیدنظر قضائی ممکن است قانونی را که به وسیله شورا یا کمیسیون برقرار شده، مطابق ماده ۱۷۳ معاهده، در زمینه های زیر مورد ابطال قرار دهد:

۱. عدم صلاحیت،
۲. نقض یکی از مقررات اساسی آیین رسیدگی،
۳. نقض یکی از مقررات معاهده یا هر قاعده قانونی مرتبط با آن،
۴. سوء استفاده از اختیارات.

زمینه های فوق الذکر، برای تجدیدنظر نسبت به قوانین جامعه، از حقوق اداری فرانسه ناشی گردیده که به منظور بسط و توسعه معنی و مفهوم آنها، باید به حقوق مزبور مراجعه کرد. زمینه های قانونی مزبور همچنین اهمیت زبان های رسمی مختلف حقوق جامعه را بیان می کند. در ابتدای شروع کار جامعه، زبان انگلیسی در شمار زبان های رسمی بازار مشترک قرار نداشت. وکلایی که قبل از سال ۱۹۷۳ (تاریخ عضویت بریتانیا

و ابرلند) به اقدامات قانونی دست می‌زدند، به زبان‌های فرانسه، آلمانی، ایتالیایی و هلندی کار می‌کردند. هنوز در تجزیه و تحلیل قوانین جامعه، نسبت به تعیین نکات دقیق اختلاف و استدلال‌های حقوقی که همیشه در زبان انگلیسی روشن نیست، در مقایسه متون، از سایر زبان‌های رسمی جامعه استفاده می‌گردد. این ترتیب به ویژه بسیار ثمربخش است وقتی که به معاهده رم که قبل از سال ۱۹۷۳ منعقد گردیده، مرتبط می‌شود، زیرا حقوق جامعه شامل معاهده رم بعداً به زبان انگلیسی ترجمه گردیده است. در صورت تعارض بین قانون جامعه و قانون داخلی دولت عضو، دیوان عدالت اروپا اظهار عقیده کرده است که قانون جامعه حاکم می‌باشد و معاهده، دولت‌های عضو را متعهد می‌کند که در شرایط مطابقت قانون جامعه و قانون داخلی، موضوع را به خصوصیات قانون داخلی احاله نمایند. در معاهده رم، ماده‌ای در تذکر تفوق قانون جامعه وجود ندارد، اما دیوان حکم داده است که تفوق قانون جامعه برای کار بازار مشترک مطلقاً ضروری است، و این از همان وجود و ترکیب معاهده رم به طور ضمنی استنباط می‌گردد.

بنابراین یکی از تعهدات عضویت کشورها در جامعه اروپا، قبول تفوق قانون جامعه است نسبت به قانون داخلی دولت‌های عضو. استنباط بریتانیا را، نسبت به تفوق قانون جامعه بر قوانین داخلی کشورهای عضو، قبل از پیوستن دولت مزبور به جامعه اروپا، به طور وضوح می‌توان در White Paper سال ۱۹۶۷ ملاحظه نمود:

«قانون جامعه در حالی که اثر داخلی مستقیم دارد، به نحوی طراحی گردیده که نسبت به قانون داخلی دولت‌های عضو برتری داشته باشد. از این ترتیب نتیجه می‌گردد که قانونگذاری پارلمان پادشاهی متحده بریتانیا، در حالی که باید قانون جامعه را معتبر بشناسد، مجبور است به طریقی عمل کند که قانون داخلی را تا آنجا که با قانون جامعه تناقض داشته باشد، ملغی سازد. این نتیجه احتیاج ندارد که به استنباط موکول گردد، باید دست پارلمان باز باشد که گاه اصلاحات یا الغائات ضروری را متعاقباً مقرر نماید. این رویه همچنان باید تعقیب گردد که در محدوده رشته‌هایی که به وسیله قانون جامعه اشغال گردیده، پارلمان از گذراندن قانون جدید متناقض با قانون جامعه، در مدتی که قانون مزبور معتبر است، خودداری کند. معهدا این ترتیب متضمن بدعت‌گذاری در

قانون اساسی نمی‌باشد. بسیاری از تعهدات معاهده‌ای تاکنون چنین محدودیت‌هایی را تحمل نموده است، برای مثال می‌توان از منشور ملل متحد، کنوانسیون حقوق بشر اروپا و موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) نام برد.^۱

در مورد تناقض قانون جامعه و قانون اساسی دولت عضو، بعضی از دادگاه‌های داخلی کشورهای عضو رأی داده‌اند به این که موضوع باید به نفع قانون اساسی دولت عضو حل گردد. آرا این دادگاه‌ها بر روند عملیات بازار مشترک تأثیر قابل ملاحظه‌ای نگذاشته است. اغلب گفته می‌شود که دکترین‌های اعمال مستقیم و تفوق قانون جامعه دو ستون برابر از یک رویه قضائیه مکمل دیوان عدالت اروپا را ارائه می‌کند. اما بدون همکاری دادگاه‌های داخلی، به ویژه نسبت به رعایت آیین ارجاع، به منظور صدور حکم مقدماتی موضوع ماده ۱۷۷ و نیز نسبت به پیروی از احکام دیوان عدالت اروپا، این رویه قضائی فاقد اجرای مؤثر گسترده می‌گردد.

قانون جامعه و قانون داخلی همزیستی دارند، به این معنی که هر دو به وسیله دادگاه‌های داخلی به مورد اجرا گذارده می‌شوند. حتی ممکن است قانون جامعه و قانون داخلی همزمان، در ارتباط با یک داد و ستد تجاری مورد اعمال قرار بگیرند، اما فقط تا آنجا که به اجرای یکنواخت قانون جامعه لطمه وارد نشود. برای مثال، در سال ۱۹۷۹ بعضی از حقوق و اختیارات جامعه نیز به سؤال کشیده شد و یکی از مقررات شورا که دولت‌های عضو را ملزم ساخته است که از ثبت خطوط رو من بر کامیون‌های خود استفاده کنند. از طرف دولت بریتانیا رد شد. کمیسیون اروپا، به موجب تصمیمی که اتخاذ نمود، ابقا، قانون شورا را اعلام داشت، معهداً دولت بریتانیا از پذیرش آن خودداری کرد. نتیجتاً کمیسیون موضوع را به دیوان عدالت اروپا ارجاع نمود. در این دادگاه دولت بریتانیا استدلال کرد که: ۱. ارائه قانون اجباری موجب مشکلات سیاسی و خسارت بسیار اقتصادی می‌گردد، ۲. هزینه‌ها در مقایسه با منافع حاصله، عاملی بازدارنده می‌باشد، ۳. نباید نسبت به کامیون‌هایی که در تجارت بین‌المللی قرار ندارند اعمال گردد، زیرا سایر دولت‌های عضو در این مورد صدمه‌ای نمی‌بینند. دیوان عدالت کلیه دلایل دولت بریتانیا

1 - The 1967 White Paper, Legal and Constitutional Implication of the United Kingdom Membership of the European Communities (Cmnd.3301) Para.23.

رار د کرد و آنها را مستقیماً با اجرای قانونی مقررات جامعه در تناقض تشخیص داد و این استدلال که اهداف قانون ممکن است به وسیله وسایل دیگر تأمین گردد را نیز غیر مرتبط و مردود اعلام نمود.^۱

● آزادی نقل و انتقال محصولات در جامعه اروپا

معاهده رم کوشش می‌کند که آزادی نقل و انتقال محصولات را میان دولت‌های عضو، با برقراری یک اتحاد گمرکی به منظور حذف حقوق گمرکی و هرگونه عوارض که همان آثار حقوق گمرکی را دربرداشته باشد، تأمین نماید. (ماده ۳۰ معاهده) حذف حقوق گمرکی، هم در مورد محصولات که در داخل کشورهای عضو تهیه می‌گردد و هم نسبت به کالاهایی که در سایر نقاط جهان ساخته و تهیه می‌شود و در کشورهای عضو در مبادله آزاد قرار می‌گیرد، اعمال می‌گردد. بنابراین فی‌المثل، سیب زمینی قبرس در مبادله آزاد در بریتانیا نمی‌تواند موضوع پروانه گمرکی در ایرلند شمالی قرار گیرد.^۲ حذف تعرفه‌های گمرکی در میان کشورهای جامعه، واقعاً جلوتر از جدول زمانی تعیین شده قبلی، تکمیل گردیده و اکنون در مقابل اعضای جدید که به معاهده خواهند پیوست قرار دارد. در داخل محدوده کشورهای جامعه، یک تعرفه مشترک خارجی^۳ هم نسبت به جهان خارج برقرار گردیده است. این تعرفه اصولاً از محاسبه معدل تعرفه‌های دولت‌های عضو ناشی گردیده است. مدت مدیدی است که کمیسیون اروپا نسبت به حقوق گمرکی جامعه، قراردادهای متقابلی را اکثراً از طریق گات^۴ با سایر کشورهای جهان مورد مذاکره قرار داده است. آثار حذف تعرفه‌های داخلی و ایجاد تعرفه‌های مشترک خارجی، سبب افزایش داد و ستدهای کشورهای عضو و کاهش حجم بازرگانی اعضا با جهان خارج گردیده است. فی‌المثل، حجم بازرگانی بریتانیا در داخل کشورهای جامعه، در سال‌های بین ۱۹۷۳ و ۱۹۸۱، از ۳۳ درصد به ۴۱ درصد جمع کل معاملات

1 - Commission V. United Kingdom, 2 Common Mkt. L. Rep. 45 (1979)

2 - Commission V. Ireland, 44 Common Mkt. L. Rep. 152 (1985).

3 - Common External Tariff.

4 - General Agreement on Tariffs and Trade (G.A.T.T.) and World Trade Organization (W.T.O.).

بازرگانی کشور مزبور افزایش یافته است. این افزایش سطح معاملات بازرگانی بریتانیا با کشورهای عضو، عمدتاً به زیان تجارت گسترده سابق بریتانیا با کشورهای مشترک المنافع تمام شده است.

محدودیت‌های کمیته و موازینی که دارای آثار تحدید کمیته میان دولت‌های عضو باشند نیز تحریم گردیده است. (ماده ۳۰) تعدادی از دستورالعمل‌های کمیسیون و احکام دیوان این قانون را علیه مقرراتی که حتی در درازمدت مانع تجارت آزاد می‌گردد دقیقاً به مورد اجرا گذارده است. مثلاً، دیوان عدالت حکم داده است که فرمان سلطنتی بریتانیا مبنی بر این که بسته‌های فروش مارگارین باید ضرورتاً به شکل معکب باشد معادل یکی از موازین تحدید کمیته نسبت به واردات کالا تلقی می‌گردد، زیرا فرمان مزبور و نظایر آن این توانایی را دارند که از بازرگانی آزاد در داخل کشورهای جامعه جلوگیری به عمل آورند. شایان ذکر است که در تصمیمی که به نفع صادرکنندگان کالا اتخاذ گردید، قانون بریتانیا نسبت به برچسب بسته‌بندی‌های کشور مبدأ، به همان دلیل ایجاد محدودیت کمیته تحت ماده ۳۰ معاهده، باطل اعلام گردید.^۱

محدودیت‌های بازرگانی غیر تعرفه‌ای، غالباً موضوع مذاکرات جدی در داخل جامعه اروپا قرار گرفته است و یکی از دردسرنگیزترین مسأله اتحادیه گمرکی جامعه به شمار می‌رود. معهدا باید در نظر داشت که در این زمینه پیشرفت‌هایی نیز حاصل گردیده است. برای مثال، تاکنون دستورالعمل‌های متعددی، مانند استانداردهای ایمنی ورقه‌های شیشه، حداقل قدرت محورهای چرخ و غیره، محدودیت‌های بازرگانی غیرتعرفه‌ای را کاهش داده است. اتومبیل‌هایی که این استانداردها در آنها رعایت شده باشد، می‌توانند آزادانه در داخل کشورهای جامعه اروپا به فروش رسند. پیشرفت در سایر زمینه‌ها کمتر مشاهده شده است و وضع انبوه قوانین داخلی نسبت به مسائل ایمنی، بهداشت، محیط زیست، استانداردها و مانند اینها، مانع آزادی کامل نقل و انتقال کالا گردیده است. در سال ۱۹۸۵، شورای اروپا در قانون اروپای واحد^۲، خود را ملزم ساخت که تا سال ۱۹۹۲ یک بازار آزاد واقعی برقرار سازد. اکنون با وجود پیشرفت‌های

1 - Commission V. United Kingdom, 43 Common Mkt.L.Rep.259(1985).

2 - The Single European Act

بسیاری که در این زمینه حاصل گردیده است، هنوز مشکلاتی هم در پیش رو وجود دارد. بدون اینکه قصد توسعه یا توجیه محدودیت‌های بازرگانی غیرتعرفه‌ای در کار باشد، آزادی نقل و انتقال کالا در داخل بازار مشترک، به وسیله ماده ۳۶ معاهده مشروط گردیده است. ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های داخلی نسبت به صادرات و واردات ممکن است بر مبانی اخلاق، نظم یا امنیت عمومی، شامل قوانین بهداشتی و امنیتی، موازین حفاظت خزان ملی و قوانین حمایت مالکیت صنعتی و بازرگانی، استوار باشد و از این جهات مورد توجیه قرار گیرد. معهدا، چنین ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی نباید وسیله‌ای برای اعمال تبعیضات خودسرانه یا پوششی برای ایجاد تضییقات نسبت به بازرگانی آزاد میان دولت‌های عضو قرار گیرد (قسمت آخر ماده ۳۶ معاهده).

دیوان عدالت اروپا کراً ماده ۳۶ معاهده را مورد تفسیر قرار داده است. به نظر می‌رسد مهمترین عقایدی که از طرف دیوان ابراز گردیده است در خصوص حقوق مالکیت صنعتی و معنوی باشد. گرچه کنوانسیون‌های ثبت اختراعات و علائم تجارتي بازار مشترک^۱ نهایتاً نظریه درون مرزی بودن چنین حقوقی را تغییر می‌دهد، معهدا هنوز نظریه مزبور مبنای این حقوق قرار دارد.

به ترتیب فعلی به عنوان مثال، یک تولیدکننده در خارج جامعه اروپا باید مجموعه‌ای از اوراق ملی ثبت اختراعات، علائم تجارتي و حقوق مؤلفان را در کشورهای بازار مشترک تحصیل کند. درون مرزی بودن این حقوق، آزادی بازرگانی را داخل محدوده بازار مشترک به مخاطره می‌اندازد، زیرا تولیدکنندگان می‌توانند کراً به عنوان نقض حقوق یا سایر تخلفات، هر زمان که محصولات مرتبط با حقوق مزبور از مرزهای داخلی جامعه بگذرد، در دادگاه‌های داخلی اقامه دعوی کنند. معهدا، دیوان اروپا در بسیاری از موضوعات، امکان استفاده از این فرصت را در جهت تجارت و رقابت آزاد بین کشورهای جامعه از میان برداشته است.

گفته شده است، کالاهایی که دارای ورقه ملی ثبت اختراع، علامت تجارتي یا حقوق مؤلف باشند همین قدر که یک بار به طور مجاز در داخل بازار مشترک به فروش رسند،

می‌توانند آزادانه در کلیه کشورهای بازار مزبور مورد معامله قرار گیرند. به عقیده دیوان، سد کردن واردات کالاهای مشابه از طریق اقامه دعاوی نقض حقوق مالکیت صنعتی و معنوی، در زمره اهداف مورد نظر حقوق اعطایی قوانین داخلی کشورهای عضو قرار ندارند. حتی اگر چنین هم نباشد دیوان حکم داده است که اعمال چنین حقوقی به یک وسیله خودسرانه یا محدودیت‌های نامطلوب نسبت به بازرگانی آزاد منجر می‌گردد که برخلاف منطوق ماده ۳۶ معاهده می‌باشد. بنابراین، حقوق قانونی موجود، به وسیله دیوان عدالت اروپا تعدیل و اصلاح گردیده است به نحوی که هدف یکپارچگی بازار مشترک را محفوظ نگاه دارد.

مثال جالب توجهی که به نتیجه بالا منجر می‌گردد این که یک شرکت دارویی نیویورک به نام استرلینگ دراگ، نسبت به تعدادی از تولیداتش، در کشورهای عضو جامعه اروپا، ورقه ثبت اختراع تحصیل کرده بود. این تولیدات تحت لیسانس، به وسیله شرکت‌های فرعی استرلینگ دراگ در بریتانیا و آلمان (و نه در هلند) تولید می‌گردید. در هلند، یک شبکه انحصاری تولید داروهای استرلینگ دراگ تأسیس گردیده بود. یک واردکننده هلندی (نه توزیع کننده انحصاری) مقداری از این داروها را از تهیه‌کنندگان مربوطه در بریتانیا و آلمان به نصف بهای مقرر در هلند خریداری کرده بود. استرلینگ دراگ، واردکننده هلندی را به عنوان تخلف نسبت به حقوق اختراع و علامت تجارتي ثبت شده در هلند، تحت تعقیب قرار داد.

به استناد ماده ۱۷۷ معاهده رم، دادگاه عالی هلند (Hoge Raad) رأی مقدماتی دیوان اروپا را نسبت به استفاده از حقوق قانونی موجود، به منظور ایجاد مانع در داد و ستد فرآورده‌های دارویی استعمال نمود. دیوان اروپا رأی داد که حقوق مالکیت معنوی استرلینگ دراگ، بر مبنای فروش فرآورده‌های مزبور در بریتانیا و آلمان، مورد اعمال قرار گرفته و این محصولات می‌توانند آزادانه در سراسر کشورهای عضو نقل و انتقال یافته و به فروش برسند.

به لحاظ قانون هلند، حقوق مالکیت معنوی استرلینگ دراگ وجود دارد، ولی به لحاظ ماده ۳۶ قانون جامعه، قانون هلند نمی‌تواند اعمال گردد. اگر اجازه داده شود که قانون هلند اجرا گردد، آثار عملی آن این خواهد بود که به استرلینگ دراگ اختیار تقسیم

بازار مشترک را داده باشند.^۱

● انتقال آزاد کارکنان (کارمندان و کارگران) در جامعه اروپا

معاهده رم، «انتقال آزاد کارکنان»^۲ (کارگران عمومی یدی و صنعتکاران) را، نسبت به آزادی ارائه خدمات و حق تأسیس کار و پیشه، مشخص و تأمین می‌کند. نسبت به کارکنان، معاهده هر نوع تبعیض را، براساس ملیت، بین کارکنان تبعه دولت‌های عضو، در ارتباط با استخدام، پاداش خدمت و سایر شرایط کار و استخدام، ممنوع ساخته است. (ماده ۴۸) استثنائات این قاعده عبارت است از هر گونه محدودیتی که براساس نظم، امنیت یا بهداشت و خدمات عمومی قابل توجیه باشد. فی‌المثل، دستور یک دادگاه انگلیسی که سارق را برای مدت سه سال به تبعید از انگلستان محکوم می‌سازد، اصل «انتقال آزاد کارکنان» را نقض نمی‌کند. استثنائات مربوط به حق انتقال آزاد کارکنان، موکداً به وسیله دیوان عدالت اروپا محدود گردیده است. ممنوعیت‌ها براساس محکومیت‌های قبلی، نمی‌تواند استثنای یک کارگر جامعه را، از استفاده نسبت به اصل انتقال آزاد کارکنان، توجیه نماید، مگر این که یک تهدید فوری نسبت به ارتکاب جرم جنایی در میان باشد.^۳

یکی از آیین‌نامه‌های شورا که مربوط به اجرای ماده ۴۹ می‌باشد، حقوق خانواده‌های کارکنان جامعه را معین می‌کند و مقرر می‌دارد: کارکنان سایر دولت‌های عضو باید از همان حقوق و امتیازات اجتماعی و مالیاتی، دسترسی به مدارس حرفه‌ای و مراکز تعلیم و تربیت، عضویت در اتحادیه‌های کارگری و حق مسکن استفاده نمایند که شهروندان دولت میزبان از آنها بهره‌مند می‌گردند. تأمین اجتماعی و حقوق بازنشستگی نیز به وسیله آیین نامه شورا مورد حمایت قرار گرفته است. در نتیجه کارکنان ممکن است آزادانه در محدوده جامعه، از شغلی به شغل دیگر منتقل گردند و سپس با مزایا و حقوق کامل تقاعد، در کشورهای خود بازنشسته شوند.

1 - Centrafarm V. Sterling Drug, 1974 Eue. Comm Rep. 1147.

2 - Free Movement of Workers.

3 - Regina V. Bouchereau, 1977 Eur. Comm. Rep. 1999.

برای یک کشور عضو، این امر غیرقانونی خواهد بود که علی‌رغم تعهدی که نسبت به تأمین اشتغال کامل شهروندان خود برعهده دارد، مقررات سهمیه یا اجازه ورود نسبت به شهروندان سایر دولت‌های عضو وضع نماید. وجود چنین ممنوعیتی ممکن است محدودیت‌های استخدامی را نسبت به مهاجرین کشورهای غیرعضو، مانند ترک‌ها و اهالی کشورهای شرق اروپا در آلمان و مهاجرین الجزیره‌ای و مراکشی در فرانسه، تشدید نماید. همچنین دستورالعمل‌هایی از طرف شورا صادر گردیده است که پرداخت مساوی و سایر شرایط کار برابر را، برای مردان و زنان، در ارتباط با بیمه بیکاری و حمایت از حقوق کارکنان در موقع انتقال مشاغل، تأمین می‌کند.

• حق تأسیس کار و پیشه و ارائه خدمات در جامعه اروپا

آزادی انتقال اشخاصی که خودشان کارفرمای خود می‌باشند و همچنین انتقال خدمات در سراسر مرزهای دولت‌های عضو، به وسیله مقررات حقوق تأسیس کار و پیشه، هدایت می‌گردد. ماده ۵۲ معاهده رم مقرر می‌دارد: آزادی تأسیس کار و پیشه، شامل حق اشتغال و ادامه فعالیت‌های اقتصادی، برای اتباع جامعه اروپا در سراسر بازار مشترک، تحت همان شرایطی که برای اتباع داخلی مقرر گردیده، وجود دارد. مقررات مزبور به کارفرمایان حق تأسیس و اداره شرکت‌ها، مؤسسات، شعب و شرکت‌های فرعی را می‌دهد. اختلاف در قوانین شرکت‌ها در کشورهای عضو تا حدودی اجرای حق تأسیس کار و پیشه را مانع گردیده است. به منظور از میان برداشتن این موانع، کمیسیون و شورای اروپا یک برنامه تعلیماتی را مقرر داشته‌اند که ضمن آن قوانین شرکت‌های دول عضو جامعه را هماهنگ سازند.

محدودیت‌ها، نسبت به آزادی ارائه خدمات، تدریجاً حذف گردیده و معاهده اختیاراتی تفویض کرده که مقررات مربوطه بتواند به اتباع دولت‌های عضو هم تسری یابد. از میان برداشتن محدودیت‌ها برای اتباع دولت‌های غیر عضو، در مواردی که موضوع فعالیت همان است که در هر کشور عضو وجود دارد، نسبتاً به سادگی انجام پذیرفته است. فی‌المثل، شورا در سال ۱۹۸۲ دستورالعمل‌هایی نسبت به آزادی خدمات در مورد عاملین مسافرت و تورهای مسافرتی، حمل و نقل هوایی و دریایی صادر کرده

که به اجرا درآمده است. متساویاً برخورد با مشاغل آزاد، از قبیل پزشکی و حرفه‌ای وابسته، که نسبت به آنها دیپلم و سایر مدارک رسمی به برابری صلاحیت در همان تخصص مربوط می‌گردد، نسبتاً آسان بوده است. معهداً، مذاکره نسبت به دستورالعمل در مورد آزادی نقل مکان دامپزشکان، هفده سال به طول انجامید. در سال ۱۹۸۶، از میان برداشتن قانون فرانسه مبنی بر این که پزشکان و دندانپزشکان خارجی جهت کار در فرانسه، باید قبل از اخذ پروانه کار، از پروانه شغل خود در کشورهایشان صرف نظر کنند، منجر به تعقیب موضوع از طرف کمیسیون اروپا گردید.^۱

در جایی که شغل آزاد به موضوعاتی مانند قانون را بستگی پیدا می‌کند، از میان برداشتن محدودیت‌های داخل کشورهای عضو نسبت به آزادی ارائه خدمات، با مشکل مهمی مواجه گردیده است. فی‌المثل در محدوده مشاغل حقوقی، ممکن است فقط مقدار کمی تعلیمات یا دانش لازم مشترک، به وسیله حقوقدان وابسته به یک حوزه قضائی حقوق مدنی (مثلاً Avocat در کشور فرانسه) یا حقوقدان وابسته به حوزه قضائی حقوق عرفی (مثلاً Solicitor در کشور انگلستان)، تحصیل گردیده باشد. در نتیجه، دستورالعمل مربوط به خدمات، نسبت به آزادی ارائه خدمات حقوقی، مستلزم اجرای دشواری است که حق تأسیس کار و پیشه را در این حرفه دچار اشکال می‌سازد. به هر حال دستورالعمل، مثلاً به Barrister انگلیسی یا به Rechtsanwalt آلمانی اجازه می‌دهد که خدمات حقوقی‌اش را در سایر کشورهای عضو نیز ارائه دهد، مگر این که چنین خدماتی به اتباع آن کشور اختصاص داده شده باشد. دولت عضو ممکن است مقرر داشته باشد که حقوقدان خارجی، در موقعی که به اقدامات قانونی اشتغال می‌ورزد، به همراه یک حقوقدان داخلی، به عنوان مشاور، در دیوان حضور یابد. این ترتیب منجر به این می‌شود که کارت هویت حقوقدان، تحت سرپرستی کمیسیون مشورتی کانون‌های وکلای اروپا^۲ که عهده‌دار پیشنهاد صدور دستورالعمل نسبت به حق تأسیس پیشه وکلا بوده است، صادر گردد.

پذیرش وکلا نسبت به انجام خدمات حقوقی هنوز تحت حکومت مقررات مشاغل

1 - Commission V. France, 47 Common MKR.L.Rep.57(1986).

2 - Commission Consultative des Barreaux Europeens (C.C.B.E.)

قانونی هر یک از دول عضو قرار دارد. معهدا، احکام متعددی از دیوان عدالت اروپا صادر گردید، که به حقوقدان متقاضی کار در سایر کشورهای عضو حق داده است که از تبعیض بر مبنای ملیت، محل اقامت یا محدودیت حق وکالت به حوزه قضائی کشور موطن، آزاد باشد.^۱ با پیوستن به کانون وکلای کشور دیگری از جامعه اروپا، حقوقدان حق استقرار و ارائه خدمات حقوقی خود را در بیش از یک کشور به دست می آورد. به این ترتیب به تدریج وکلای هر یک از کشورهای عضو در صدد تأسیس مشارکت‌ها و مؤسسات حقوقی در سایر کشورهای عضو برآمده‌اند که نتیجه آن، خدمت به یکپارچگی اقتصادی و اجتماعی جامعه اروپا خواهد بود.

• آزادی نقل و انتقال سرمایه در جامعه اروپا

معاهده رم، برطرف نمودن محدودیت‌های داخلی را نسبت به آزادی نقل و انتقال حقیقی یا حقوقی دولت‌های عضو، به اندازه‌ای که عملکرد صحیح بازار مشترک را تأمین نماید، مقرر داشته است (ماده ۶۷ معاهده). در عین حال، دولت‌های عضو از طریق معاهده، ملزم گردیده‌اند نسبت به صدور اجازه‌ای که توسط نظارت ملی ارز، به منظور نقل و انتقال سرمایه مقرر شده، سخاوتمندانه و بدون تعصب ملی عمل کنند (ماده ۶۸). در این راستا، کشور فرانسه مدت مدیدی است که قوانین نظارت بر سرمایه‌گذاری خود را، نسبت به سرمایه‌گذاران کشورهای جامعه اروپا، به حال تعلیق درآورده است. معهدا، کشور مزبور از طریق اعمال مقررات نظارت بر موازنه پرداخت‌ها، به همان اهداف کنترل سرمایه‌گذاری نائل می‌گردد. بنابراین، به نظر می‌رسد کشورهای عضو به سیاست‌های اقتصادی خود که موجب تعادل موازنه پرداخت‌ها می‌شود ادامه می‌دهند. در این جهت، دیوان عدالت در سال ۱۹۸۱ اعلام داشت که آزادی کامل نقل و انتقال سرمایه، ممکن است به سیاست اقتصادی عضوی از اعضای جامعه صدمه بزند و یا موجب عدم توازن پرداخت‌های آن عضو گردد.

آزادی نقل و انتقال دارایی‌هایی منتقول و سرمایه را باید از آزادی نقل و انتقال

1 - Reyners V. Belgium, 1974 E.Comm > Rep. 631; Thieffry V. Conseil de l'Ordre des Avocats de Paris.

پرداخت‌های ضروری، جهت تحقق بازرگانی آزادی جامعه اروپا، تفکیک کرد. مطابق مقررات جامعه، نسبت به پرداخت‌های جاری، طبق یک قاعده کلی، رفتار آزادانه‌تری اعمال می‌گردد، زیرا آزاد نقل و انتقال پرداخت‌ها شرط اساسی تأمین آزادی نقل و انتقال محصولات در داخل محدوده بازار مشترک به شمار می‌رود.

مطابق معاهده اتحادیه اروپا^۱ معروف به معاهده ماستریخت، از اول ژانویه ۱۹۹۴، ماده ۷۳ و بندهای ششگانه آن در باب «سرمایه و پرداخت‌ها» جایگزین مواد ۶۷ تا ۷۳ معاهده رم در باب «سرمایه» گردیده است. برابر ماده ۷۳(ب) معاهده مزبور، کلیه محدودیت‌های نسبت به نقل و انتقال پول در جهت سرمایه‌گذاری و انجام پرداخت‌ها، میان دولت‌های عضو و همچنین میان دولت‌های عضو و کشورهای ثالث ممنوع شده است. معهدا، مقررات مزبور نمی‌تواند به حقوق دولت‌های عضو نسبت به وضع مقرراتی که براساس نظم و امنیت عمومی استوار باشد، صدمه بزند (ماده ۵۷۳د). در راستای این تحول، سرمایه‌گذاری میان کشورهای جامعه اروپا به سهولت و بدون هیچ محدودیتی انجام می‌گیرد. نسبت به سرمایه‌گذاری کشورهای جامعه اروپا در کشورهای ثالث و همچنین سرمایه‌گذاری‌های کشورهای ثالث در کشورهای جامعه اروپا، گرچه اصل آزادی سرمایه‌گذاری پذیرفته شده، شورای اروپا می‌تواند ضوابطی در این خصوص وضع کند (ماده ۷۳ث).

● سیاست حمل و نقل جامعه اروپا

سیاست حمل و نقل مشترک جامعه، موضوع مواد ۷۴ و ۷۵ معاهده، در ارتباط با وضع قوانین مشترک نسبت به حمل و نقل بین‌المللی در محدوده کشورهای جامعه یا عبور از قلمرو یک یا چند کشور از دولت‌های عضو و یا عملیات حمل و نقل به وسیله وسایط نقلیه غیرمقیم در محدوده یک کشور عضو، موفقیت‌آمیز نبوده است. مشکل عمده این است که چه موقع و تحت چه شرایطی وسیله نقلیه بارکشی تبعه یک دولت عضو ممکن است در قلمرو دولت عضو دیگر به کار حمل و نقل اشتغال ورزد. کمیسیون

1 - Treaty on European Union, Signed at Maastricht of Gebuary 7, 1992.

اروپا یک سیاست کلی را مورد توجه قرار داده که کلیه جنبه‌های حمل و نقل و سائط نقلیه، از جمله کشتی‌ها و هواپیماها را نیز در برمی‌گیرد در حالی که شاید تعیین سیاست جزء به جزء اقدامات و مورد به مورد عملی‌تر و موفقیت‌آمیزتر باشد. به طور کلی پیشرفت در زمینه حمل و نقل مشترک جامعه بسیار کند و فقط به مذاکرات طولانی و سازش‌های بسیار مشکل در شورای اروپا محدود بوده است. معهذاً، اقداماتی چند در زمینه حمل و نقل زمینی انجام پذیرفته است. دستورالعمل‌هایی به منظور لغو تبعیضات ناشی از اعمال نرخ‌ها و شرایط مختلف، نسبت به کالاهای مشابه در اوضاع و احوال مشابه، از طرف شورا صادر گردیده است.

دستورالعمل‌هایی نیز به وسیله شورا در خصوص قواعد مشترک حمل و نقل بین‌المللی زمینی، محدودیت سرعت حرکت رانندگان و نصب سرعت سنجی که سرعت را در زمان گزارش می‌کند، صادر شده است. شایان ذکر است که هنوز اختلافات میان دولت‌های عضو نسبت به مسائل مالیات و عوارض بر جاده‌ها و وزن و ابعاد کامیون‌ها حل نگردیده است. دیوان عدالت اروپا حکم داده است که اوضاع و احوال شرایط کنونی نسبت به سیاست حمل و نقل جامعه، مبین قصور شورا در انجام وظیفه است که خود نقض مقررات معاهده به شمار می‌رود.^۱ صدور چنین حکمی که به تقاضای پارلمان اروپا صادر گردیده، تضمین‌کننده توسعه و پیشرفت بیشتر، در زمینه حمل و نقل بین‌المللی جامعه، در آینده خواهد بود. در سال ۱۹۸۵، کمیسیون اروپا، تحت مقررات ضد تراست معاهده، شرکت‌های لوفت‌هانزا، آلیتالیا و المپیک را به علت یکسان‌نگاهداری کرایه حمل و نقل و حذف عامل رقابت میان خود، مورد تعقیب قانونی قرار داد. از میان برداشتن رقابت آزاد در محدوده بازار مشترک، به هر ترتیب که باشد، یک عمل غیرقانونی تلقی می‌گردد. (ماده ۷۵ معاهده)

● سیاست کشاورزی مشترک جامعه اروپا

ویژگی مسائل کشاورزی در داخل بازار مشترک، سیاست کشاورزی جامعه را با

اختلاف میان دولت‌های عضو مواجه ساخته است. اهداف سیاست کشاورزی مشترک که در معاهده رم به آن اشاره رفته است عبارتند از: افزایش تولیدات کشاورزی، حفظ و نگهداری یک استاندارد منصفانه برای کشاورزی جامعه، ثبات بازارهای کشاورزی و تهیه و تدارک محصولات مصرفی به قیمت عادلانه (ماده ۳۹ معاهده). در عمل سیاست کشاورزی مشترک جامعه، به صورت سنگینی تولیدات و محصولات صادراتی کشاورزی را مورد سوبسید قرار داده است به طوری که برنامه‌های سوبسیدهای کشاورزی تقریباً در حدود دو سوم بودجه جامعه را به مصرف می‌رساند. این بودجه از طریق تعرفه مشترک خارجی، عوارض کشاورزی و درآمدهای حاصل از مالیات بر ارزش افزوده تأمین می‌گردد. شاخص قیمت‌ها برای بسیاری از محصولات مانند غله به طور ادواری تعیین گردیده و براساس قیمت‌های خرید و عوارض مختلف و حقوق گمرکی بر واردات حفظ می‌گردد.

میزان عوارض و حقوق گمرکی به طور ادواری در تغییر می‌باشد تا واردات نتواند سیاست کشاورزی مشترک جامعه را به خطر اندازد. به این ترتیب آثار مهمی بر صادرات غله کشورهای غله‌خیز جهان به کشورهای جامعه اروپا برجای می‌گذارد. به همین ترتیب متساویاً «استرداد وجوه صادراتی»^۱ نسبت به محصولات کشاورزی، بر صادرات کشورهای دیگر جهان به کشورهای خارج جامعه اروپا اثر می‌گذارد. به این جهات در داخل گات، بعضی از کشورهایی که دارای محصولات کشاورزی صادراتی هستند و از جرگه کشورهای جامعه اروپا خارج می‌باشند، دائماً شکایت دارند از این که «استرداد وجوه صادراتی» در کشورهای بازار مشترک، مقررات گات را نسبت به سوبسیدها نقض می‌نماید.

یک رشته از مقررات و دستورالعمل‌های گیج‌کننده بر سیاست کشاورزی مشترک جامعه اروپا حکومت دارد. در سال‌های اخیر، سیاست کشاورزی جامعه اروپا سبب گردیده که قیمت مواد خوراکی در داخل محدوده جامعه، به طور گسترده‌ای افزایش یابد و در سطح بالاتری نسبت به قیمت‌های جهانی قرار گیرد. صرف‌نظر از این که سیاست

کشاورزی مشترک جامعه اروپا به چه قیمتی برای کشورهای عضو تمام می شود، این سیاست یکی از پایه های اساسی جامعه را تشکیل می دهد. کشورهای فرانسه و ایتالیا بدون چنین سیاستی ممکن نیست بتوانند به عضویت خود در بازار مشترک ادامه دهند، کشورهای اسپانیا، پرتغال و یونان هم مشتاقانه به چنین سیاستی علاقه دارند و نتیجتاً کشور آلمان و به نسبت کمتری، کشور بریتانیا باید به طور سنگینی تاوان آن را بپردازد. معهداً از طرف دیگر، کشور آلمان نسبت به بازرگانی آزاد صنعتی در بازار مشترک بسیار ذینفع است.

به نظر می رسد که جامعه اروپا قادر نباشد سطح سوبسیدهای کشاورزی خود را مؤثراً کنترل کند. این ترتیب سبب افزایش محصولات گشته و کوه هایی از کره و دریاچه هایی از شراب را تشکیل داده که نتیجتاً موجبات جنگ بازرگانی را بر سر کثرت محصولات فراهم ساخته است. در سال ۱۹۸۸، از طریق پیوند مجموع هزینه های کشاورزی به نرخ رشد توسعه اقتصادی، جامعه مقرراتی را به منظور این که نهایتاً هزینه های کشاورزی را کاهش دهد از تصویب گذراند. تحت مقررات مزبور، وقتی که میزان تولید به سقف معینی برسد قیمت ها خود به خود شکسته می شود، ایجاد زمین های جدید کشاورزی متوقف می گردد و برنامه های بازنشستگی زودرس کشاورزان برقرار می گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

● مالیات و روابط بازرگانی جامعه اروپا

معاهده رم با بسیاری دیگر از رشته های اقتصادی و اجتماعی در دولت های عضو، سر و کار دارد. یکی از این رشته ها مالیات است که مطابق مقررات معاهده نباید تبعیض آمیز باشد و یا از میان کالاها، تولیدات دولت یا دولت هایی را مورد حمایت خاص قرار دهد. با کوشش های بسیار، سرانجام کشورهای جامعه موفق شدند که یک سیستم مالیاتی مشترک به نام مالیات ارزش افزوده^۱ - وضع کنند. اما سیاست های مالیاتی و نیازمندی های عایداتی مختلف در کشورهای عضو، سبب سطوح مختلف مالیات ارزش

1 - Value-added tax (VAT).

افزوده، در اعمال مالیات نسبت به اقلام مشابه گردیده است. برای مثال، در بریتانیا، مالیات ارزش افزوده، عموماً به یک نرخ برابر منتهی می‌گردد، در حالی که در فرانسه، سطوح مختلف مالیات ارزش افزوده نسبت به کالاهای اساسی، اقلام سطح متوسط و کالاهای لوکس اعمال می‌گردد. تاکنون مذاکرات مربوط به هماهنگ‌سازی سطوح مالیات ارزش افزوده و انعقاد قراردادهایی نسبت به کالاها و خدماتی که نسبت به آنها مالیات ارزش افزوده باید اعمال گردد، بسیار کند پیشرفته‌اند. نتیجه این که در هر مرز بازرسی، محاسبه و جمع‌آوری مالیات ارزش افزوده انرژی، وقت و بودجه هنگفتی را مصرف می‌کند و این ترتیب در بازرگانی کشورهای جامعه، عدم تحرک قابل توجهی را به وجود می‌آورد.

با تصویب نهایی معاهده ماستریخت از طرف کلیه کشورهای جامعه اروپا در سال ۱۹۹۳، بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که جامعه اروپا در رسیدن به توافقی نسبت به سطوح مالیات ارزش افزوده و مالیات بر کالاها و یا لاقلاً در کاهش دادن درجه اختلافات دولت‌های عضو در این زمینه‌ها، در جهت یکپارچه‌سازی بازار مشترک، موفق شده است. در دسامبر ۱۹۸۹، شورای اروپا با رده‌بندی تدریجی نرخ‌های مالیات ارزش افزوده، به جانب دسته‌ای از نرخ‌های استاندارد، از ۱۴ تا ۲۵ درصد، موافقت کرد. تا سال ۱۹۹۳، دسته‌ای از نرخ‌های کاهش یافته از ۵ تا ۲۵ درصد، برای تولیدات برگزیده، در نظر گرفته شد.

مرزهای مالیاتی به وسیله برقراری سیستم گزارش و جمع‌آوری حقوق گمرکی نسبت به صادرات و واردات با به کارگیری اصول مقصد نسبت به نرخ‌های مالیات ارزش افزوده، حذف گردید. مرز مالیات کالاها داخلی، به وسیله ایجاد سیستم انبارهای گمرکی به هم پیوسته که میان آنها کالاها می‌توانند نقل و انتقال یابند، برداشته شد. کمیسیون اروپا از اواخر دهه نود، حرکت به سوی مالیات براساس اصول مبدأ را آغاز کرد.

دولت‌های عضو، با همکاری یکدیگر، یک سیاست مشترک بازرگانی را نسبت به دولت‌های غیرعضو، به مرحله اجرا گذارده‌اند. این سیاست براساس اصولی یکنواخت نسبت به قراردادهای تعرفه و بازرگانی، حقوق ماهیگیری، سیاست براساس اصولی

یکنواخت نسبت به قراردادهای تعرفه و بازرگانی، حقوق ماهیگیری، سیاست صادراتی و سایر موضوعات خارجی مرتبط به جامعه اروپا، استوار می‌باشد. برای مثال، باید متذکر شد که جامعه اروپا، به عنوان یک واحد سیاسی / اقتصادی، در داخل گات مرتباً به مذاکره می‌پردازد و در کدهای مختلف گات، مانند کدهای سال ۱۹۷۹ سوسید و دامینگ (فروش کالاهای گران در کشورهای دیگر به بهای ارزان)^۱ و همچنین برنامه‌های گات مانند عمومی کردن سیستم تعرفه‌های ترجیحی برای کشورهای در حال توسعه، شرکت می‌کند. جامعه اروپا یک تعرفه خاص و نیز تعرفه‌های ترجیحی حمایت‌کننده نسبت به کالاهای کشورهای در حال رشد برقرار کرده است.

کمیسیون اروپا معمولاً پیشنهادهایی را در زمینه سیاست بازرگانی مشترک جامعه به شورای اروپا تسلیم می‌کند که پس از تأیید و تصویب شورا به مرحله اجرا درمی‌آید (ماده ۱۱۳ اصلاحی در معاهده ماستریخت). در طول سال ۱۹۸۶، برای مثال، ایالات متحده آمریکا شدیداً میزان غرامت بازرگانی را که کشور مزبور، مطابق مقررات گات، در نتیجه گسترش بازار مشترک اروپا به دربرگیری اسپانیا و پرتغال، ذیحق به دریافت آن شناخته می‌شد، مورد مجادله قرار داده بود. بعد از یک رشته تهدیدات از جانب طرف‌ها نسبت به افزایش تعرفه بازرگانی ایالات متحده آمریکا و بازار مشترک اروپا، سرانجام این مرافعه در اوایل سال ۱۹۸۷، بر مبنای حفظ صادرات عمده محصولات کشاورزی ایالات متحده به اسپانیا، حل و فصل گردید.

● کنوانسیون‌های جامعه اروپا

نسبت به تعارض قوانین، صلاحیت دادگاه‌ها و اجرای احکام جامعه اروپا دو کنوانسیون بسیار مهم در جهت تسهیل داد و ستدهای بین‌المللی تنظیم و اعلام داشته است. این کنوانسیون‌ها عبارتند از: کنوانسیون سال ۱۹۸۰، مربوط به قانون حاکم در الزامات ناشی از قرارداد (انتخاب قانون)^۲ و کنوانسیون سال ۱۹۶۸،

1 - The 1978 Dumping and Subsidies Codes

2 - Convention on Law Applicable to Contractual Obligations (Choice of Law)(1982).

مربوط به صلاحیت دادگاه و اجرای احکام در موضوع‌های مدنی و بازرگانی.^۱ این کنوانسیون‌ها به خودی خود قانون قابل اجرا در کلیه کشورهای جامعه نمی‌باشند، بلکه فقط کشورهایی ملزم به اجرای آن هستند که قبلاً آن را تصویب کرده باشند. کنوانسیون مربوط به قانون حاکم در الزامات ناشی از قرارداد، حقوق طرف‌های قراردادهای بازرگانی را در انتخاب این که کدام قانون بر قراردادهای آنها باید حکومت داشته باشد، تعیین کرده است. این کنوانسیون در سال ۱۹۹۱، وقتی که هفت کشور جامعه اروپا: فرانسه، ایتالیا، بلژیک، لوکزامبورگ، آلمان، دانمارک و بریتانیا آن را تصویب کردند به مرحله اجرا درآمد. کنوانسیون مربوط به صلاحیت دادگاه و اجرای احکام در موضوع‌های مدنی و بازرگانی یک قرارداد تفصیلی است که به طور کلی اجازه اجرای احکام بازرگانی و مدنی دادگاه‌های دولت‌های عضو را در دادگاه‌های سایر دولت‌های عضو می‌دهد. کنوانسیون مزبور اکنون در کلیه کشورهای جامعه اروپا قابل اجرا می‌باشد. این کنوانسیون اجرای بعضی احکام را که بر مبنای صلاحیت فوق‌العاده^۲ صادر می‌گردد. به تقاضای مقیمان جامعه علیه مقیمان جامعه رد می‌کند، زیرا مثلاً در مورد فرانسه که به موجب مواد ۱۴ و ۱۵ قانون مدنی فرانسه، صلاحیت دادگاه‌های فرانسوی در تمام مواردی که یک فرانسوی در دعوی خواهان یا خوانده باشد مقرر گردیده، در صورتی که خوانده فرانسوی در خارج از فرانسه محکوم گردد و متوجه عدم صلاحیت دادگاه خارجی (از نظر قانون فرانسه) نسبت به خود بشود، می‌تواند با استفاده از ماده ۱۵ قانون مدنی، جلوی اجرای حکم صادره علیه خود را در فرانسه بگیرد.^۳ باید توجه داشت که این ترتیب بر خلاف اصول قواعد بین‌المللی تعارض صلاحیت دادگاه‌ها می‌باشد زیرا همان طور که حکم صادره علیه یک مقیم جامعه در فرانسه، اگرچه تبعه بریتانیا باشد، در

1 - Convention on Jurisdiction and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters (1968).

2 - Extraordinary Jurisdiction

۳ - مواد ۱۴ و ۱۵ قانون مدنی فرانسه مورد انتقادهای شدیدی قرار گرفته است. بازناب این مواد نوعی عدم اعتماد نظام حقوقی فرانسه نسبت به صلاحیت دادگاه‌های غیرفرانسوی می‌باشد و با همکاری‌های قضائی بین‌المللی مطابقت چندانی ندارد. مراجعه شود به:

قلمرو بریتانیا نیز قابل اجرا است، حکم صادره در خارج فرانسه علیه فرانسوی هم باید در فرانسه قابل اجرا باشد. کنوانسیون به مقیمان جامعه نیز اجازه می‌دهد که احکام صادره علیه غیرمقیمان جامعه، مثلاً علیه شرکت‌های امریکایی، را در هر یک از کشورهای جامعه به مرحله اجرا درآورند. کنوانسیون مورد بحث تاکنون، در بسیاری از موارد، مورد تفسیر دیوان عدالت اروپا قرار گرفته است.

● حقوق جامعه اروپا و سازمان‌های بازرگانی

اثر جمعی حقوق جامعه اروپا، نسبت به دولت‌ها، شرکت‌ها و اشخاصی که کارهای اقتصادی با دولت‌های عضو و یا در داخل کشورهای عضو با اشخاص خصوصی انجام می‌دهند، بسیار قابل توجه و بااهمیت است. در این راستا، باید توجه خاصی به مقررات بازار مشترک نسبت به مسأله رقابت آزاد (مقررات ضدتراست) معطوف داشت. در رشته سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار، تاکنون چندین دستورالعمل مهم از تصویب ارگان‌های جامعه گذشته است. دستورالعمل‌های مزبور مربوط است به: قبول سرمایه‌گذاری در جدول اوراق بهادار (۱۹۷۹)، صدور اعلامیه (۱۹۸۰)، اعلام اطلاعات عادی به وسیله مؤسسات بازرگانی عام (۱۹۸۲)، تجارت داخلی (۱۹۸۹)، دستورالعمل تجارت داخلی، معاملات اوراق بهادار را براساس اطلاعاتی که ممکن است توسط اشخاص دست اول و دوم داخلی به اشخاص خارجی داده شود، منع کرده است. چنین اطلاعاتی، به اطلاعات منتشر نشده‌ای که اگر منتشر شود متحماً اثر قابل توجهی نسبت به قیمت‌ها در سرمایه‌گذاری بورس اوراق بهادار خواهد داشت، تعریف گردیده است. شورای اروپا تعدادی دستورالعمل غیرقابل بحث در جهت پیشرفت حقوق شرکت‌های جامعه وضع کرده است. در اولین دستورالعمل، مقرراتی نسبت به یکسان کردن تعهدات و الزامات (شامل تعهدات و الزامات قبل از تأسیس شرکت) و انتشار مختصات شرکت‌ها، وضع و تدوین شده است. در دومین دستورالعمل، مقررات مربوط به طبقه‌بندی، توصیف و حفظ و حمایت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های سهامی عام و گسترده، تنظیم گردیده است. سومین دستورالعمل، به ادغام داخلی شرکت‌های سهامی عام مربوط می‌باشد. چهارمین دستورالعمل، یکنواخت کردن مقررات مربوط به

حساب‌های سالیانه شرکت‌های سهامی عام گسترده، مانند ارائه محتوا و ارزیابی حساب‌ها و انتشار آگهی‌ها را اعلام داشته است. در این دستورالعمل مقرراتی وجود دارد که رعایت تورم یا محاسبه قیمت‌های جاری را اجازه داده است. حساب‌های شرکت‌های عام و گسترده باید وضعیت واقعی و صحیح این مؤسسات را منعکس سازد. در تعقیب دستورالعمل چهارم، دستورالعمل هفتم نسبت به مقررات مرتبط با گروه‌های مختلف شرکت‌ها صادر گردیده است. مقررات دستورالعمل ششم بر فروش دارایی‌های شرکت‌های سهامی عام، حقوق صاحبان سهام، طلبکاران و کارگران نظارت دارد. در هشتمین دستورالعمل، مقررات مربوط به حداقل شرایط و استانداردهای ممیزین یا بازرسان حساب‌های شرکت‌ها تعیین شده است.

● ایران و جامعه اقتصادی اروپا

در آینده نه چندان دور، ده کشور اروپای شرقی، شامل لهستان، چک، اسلواکی، مجارستان، اسلوانی، لیتونی، استونی، لیتوانی و جزایر مالت و قبرس به جامعه اروپا خواهند پیوست. در این راستا، جامعه مبلغی در حدود چهار میلیارد یورو به این کشورها کمک خواهد کرد که خود را از نظر شرایط اقتصادی، برای پیوستن به جامعه، که در حال حاضر دومین ابرقدرت اقتصادی جهان است، آماده سازند.

کشور ایران یکی از شرکای بزرگ اقتصاد اروپاست و اقتضا دارد، شخصیت‌های حقوقی حقوق خصوصی ایران، یعنی سازمان‌ها و شرکت‌های بازرگانی و صنعتی ایرانی، اعم از دولتی و غیردولتی، مؤثراً وارد چنین بازاری بشوند و تنها به صدور نفت خام و کالاهای غیرنفتی و سنتی اکتفا نکنند. در این راستا، به نظر می‌رسد که بهتر باشد از سیاست اقتصاد بدون نفت که در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ اجرا می‌شد، مجدداً پیروی شود، به این معنی که ارتباط بودجه عمومی کشور از درآمد نفت قطع گردد و درآمد حاصل از فروش نفت خام، صرفاً به مصرف سرمایه‌گذاری در داخل و خارج کشور برسد. سرمایه‌گذاری در قسمت‌های شرق اروپا که در آینده جزء جامعه اروپا خواهند شد می‌تواند از منابع بزرگ درآمد ارزی، برای ایران باشد و دسترسی این کشور را به تکنولوژی غرب آسان سازد.

برای مثال، ایران سالیانه یک میلیارد دلار به مصرف واردات بنزین از خارج کشور می‌رساند، در حالی که دولت می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری خارجی، پالایشگاه‌های نفت ایران را توسعه دهد و پالایشگاه‌های جدید نفت برپا سازد و شرکت ملی نفت ایران می‌تواند فرآورده‌های نفتی، از جمله بنزین را به جایگاه‌های بنزین اروپا بکشد و با مستقیماً به مصرف کننده بفروشد و از ارزش افزوده این ماده انرژی‌زا استفاده کند و با شرکت‌های نفتی آمریکایی مانند اگزون و شرکت‌های نفتی اروپایی مانند شل و بی.پی، به رقابت بپردازد. ضمناً در این جهت، دولت می‌تواند منابع ارزی خود را از نظر یورو (پول واحد اروپا) تأمین کند.

قیمت یورو در مقابل دلار، مرتباً در حال افزایش است و این در حالی است که ایران در فروش نفت خام به دلار بستگی دارد و کسری موازنه صادرات خود به اروپا و واردات خود از اروپا را باید به یورو بپردازد و اجباراً دلار را به یورو تبدیل کند که مستلزم ضرر و زیان بسیار است. علیهذا، به نظر می‌رسد که بهتر باشد شرکت ملی نفت ایران در قراردادهای فروش نفت خام با شرکت‌های نفتی جهان، تجدیدنظر کند و لافل قسمتی از بهای فروش نفت را به یورو دریافت نماید که جواب احتیاج کشور را نسبت به پول اروپا بدهد.

در پایان، برای ورود مؤثر به بازار مشترک اروپا، باید حقوق اقتصادی جامعه اروپا را شناخت و به قواعد آن آشنا شد. به نظر می‌رسد که شایسته باشد، وزارت علوم، آموزش عالی و فناوری، واحد درسی حقوق اقتصادی جامعه اروپا را در برنامه دانشگاه‌های ایران قرار دهد تا در این رشته کارشناسانی تربیت شوند که بتوانند به ورود مؤثر ایران به بازار مشترک جامعه اقتصادی اروپا کمک کنند. شرکت مؤثر ایران در جامعه اقتصادی اروپا می‌تواند موجبات پیوستن کشورمان را به سازمان تجارت جهانی فراهم سازد.